

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

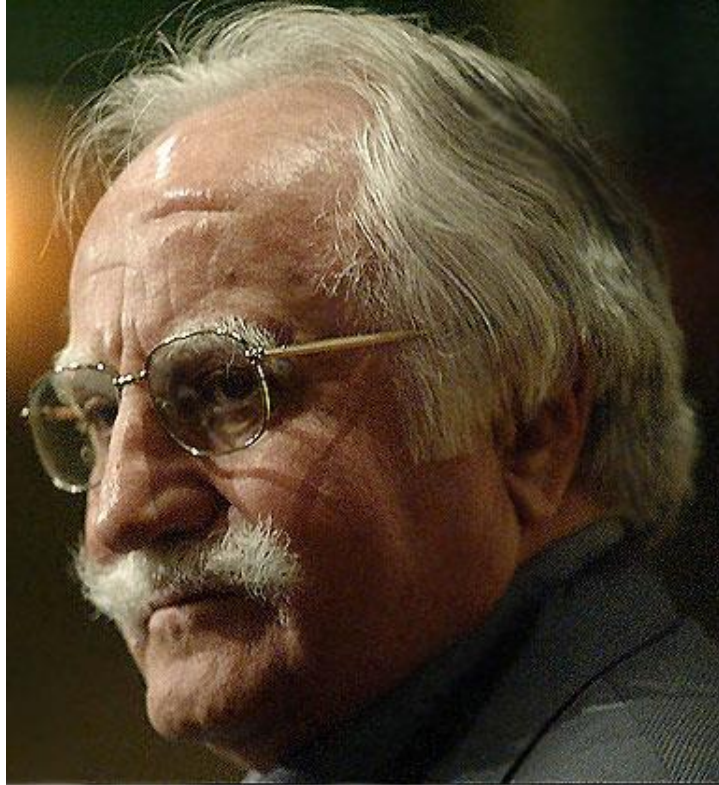
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مردمی از جنس ملکوت

به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

خیز تا بر گلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در کردش پر کار داشت



واز زبان، هنر چه بگوئیم، که هنر یعنی بیقراری دل،
یعنی بدنبال نیسان کشتن،

یعنی ناز خریدن، یعنی از نیاز خود با او گفتن،

یعنی از او شنیدن،

و شعر و موسیقی و نقاشی و..... و هنر، آهنگان را آهنگان ترمی کند.

و شعر یعنی بیقراری دل، و موسیقی آوای شورانگیز عشق است.

و نقاشی.....

و نقاشان تصویرگر عشقتند، که نقش خیال بر در و دیوار دل می زنند.

و استاد بسیار عزیز و گرانمایه، استاد فرشیان

که کوپی در آینه‌ی قلب عاشق و صاف و صیقلی اش، نقش هارنگ می‌پذیرد و از

صفحه سید دل بادستان قدرتمند و هنرمندش به روی تابلو جان می‌گیرند.

و هر نقش یک شعر بلند است از ضمیر تابناک نقاش، که بر روی بوم نقاشی جان گرفته

است.

و هر تابلو یک شوی بزرگ است، که بازبان خطوط و رنگ سخن می‌گویند.

استاد فرسخیان، خود حافظ دیگری است که بازبان رنگ شعر می‌گوید.

زبان، هنر، زبان روح است.

زبان سیدایی جان تابناک، هنرمند است،

و همه با این زبان انس دارند،

انسی دیرینه به قدمت جهان.



: از میان آثارم تابلوی عصر عاشورا را بسیار دوست دارم.

مروری کوتاه بر زندگی نامہ استاد محمود فرسخیان



استاد محمود فرسخیان در سال ۱۳۰۸ در شهر سنرپرور اصفهان دیده به جهان گشود.

پدرش که مردی هنردوست بود با توجه به اشتیاق فرزند به هنر نقاشی او را به کارگاه استاد

حاج «میرزا آقا امامی» رهنمون کرد. وی سپس در هنرستان، هنرهای زیبای اصفهان

از استاد «عیسی بهادری» تعلیم گرفت.

پس از پایان این دوره به اروپا رفت و چند سالی در آنجا به مطالعه و بررسی آثار نقاشان

برحسب غرب بهمت گذاشت

و در نتیجه همین مطالعات بود که به رهیافتی تازه از هنر نقاشان با معیارهای جهانی رسید.

پس از بازگشت به ایران کار خود را در اداره کل هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و پس

از مدتی به مدیریت اداره هنرهای ملی و استادوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

برگزیده شد. در این میان با کار و کوشش مداوم و خلق آثار سنگین انگیز،

آوازه هنری او در ایران و در فرا سوی مرزها گسترش یافت.

استاد فرشچیان در حیطه نقاشی ایرانی به وجود آورنده سبک و مکتب خاصی است

که در عین توجه به اصالت مبانی سنتی این هنر، با ابداع شیوه‌های نو، قابلیت و کارایی
تقاشی ایرانی را افزایش داده است.

او این هنر را غنا بخشید و از حالت الزامی یک پدیده منگی به شعر و ادبیات رها ساخت
و رسالت و ارزشی در حد سایر هنرها در تقاشی ایرانی پدید آورد.

تقاشی‌های استاد آسنره دلپذیری از اصالت و نوآوری است.

ومی با خطوط روان و ترکیب بندی‌های ظریف و مدور، راز و رمزها و اشارات درونی
نهفته را در آثار خود به وجود می‌آورد.

در همین حال با نوآوری در گزینش موضوع و پرداخت اثر به گستره‌ای فراتر

از قالب های مرسوم می رسد. رنگ های تاناک و مواجی که در آثار استاد دیده می شود،

آیتی است از ابتکار که افسانه ای به نظر می رسد.

آثار استاد فرشیان در بیش از صد نمایشگاه فردی و جمعی در ایران و سایر کشورها برپا گشته

و با استقبال بسیار زیادی روبه رو شده است.

برگزاری نمایشگاه های پی در پی معرف شهرت ایشان در پهنه جهانی است؛ به گونه ای که

موزه ها و کتابخانه ها و مجموعه داران شخصی و عاشقان هنر به داشتن قطعه ای از آثار او

مباهت می کنند.

باتأسیس موزه فرشچیان در مجموعه فرهنکی - تاریخی سعدآباد، سازمان میراث فرهنکی
کشور بر آن شد تا فرصتی برای عموم، هموطنان عزیز و هنردوستان جهان فراهم آورد تا از
آثار این هنرمند بزرگ در یک مجموعه زیبا بازدید به عمل آورند.
در این موزه بالغ بر هفتاد اثر از آثار استاد گردآوری شده است.
همچنین طراحی های ضریح مطهر و مسور حضرت اباعبدالله (ع) و ثامن الائمه حضرت
رضا (ع) به قلم ماندگار و با کفایت استاد فرشچیان صورت گرفته است که این نقوش
زرین، یادمانی است نجسته در تاریخ فرهنک و هنر ایران که استاد به صورت افتخاری
انجام داده و به این توفیق، مستخر است.

روز تحصیلی:

طبع آزمایی در کارگاه استاد حاج میرزا آقا امامی و استاد بهادری (۱۳۲۳)

دیپلم عالی از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان (۱۳۲۹)

سفر به اروپا جهت مطالعه و بررسی آثار نقاشان برجسته غرب و هنرآموزی در وین

به مدت ۷ سال (۱۳۳۲)

دریافت درجه یک هنری (معادل دکترا)

فعالیت ها:

طراحی ضریح حضرت رضا (ع) و طراحی ضریح حضرت اباعبدالله (ع) و عضویت در

هیئت اجرایی و نظارت دقیق بر ساخت آن

طراحی ضریح شهدای کربلا

طراحی سرداب مطهر مرقد حضرت رضا (ع)

طراحی ضریح سرداب غنیمت در سامرا

استاد و اسکده، هنرهای زیبای دانشگاه تهران

بنیانگذاری مرکز مذهبی و فرهنگی «نور و دانش» در شهر اتر فرود نیوجرسی آمریکا

کتابها

تصویرگری شاهنامه فردوسی (۱۳۵۳)

تقاسی ها و طراحی های محمود فرشچیان، جلد نخست، نگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۵۵)

محمود فرشچیان، جلد دوم، انتشارات نگار (۱۳۷۰)

پهلوانان بزرگ در شاهنامه فردوسی (۱۳۷۰)

داستان های پهلوانان در شاهنامه فردوسی (۱۳۷۲)

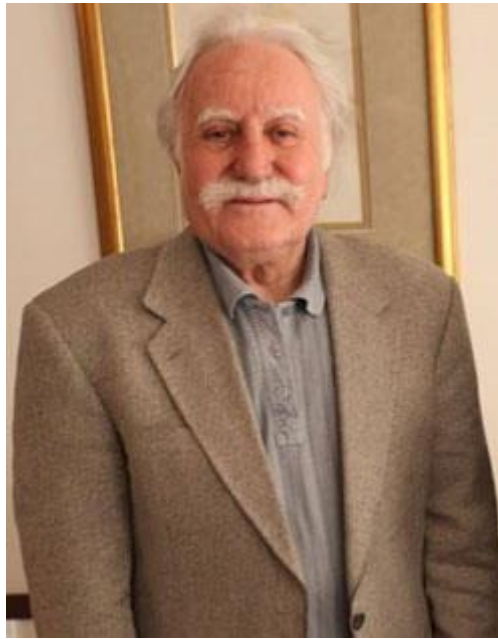
محمود فرشچیان، جلد سوم، چاپ آلمان

محمود فرشچیان، جلد چهارم، یونسکو، چاپ ایتالیا

محمود فرشتحیان، مجموعه آثار، جلد پنجم، خانه فرهنگ و هنر گویا (۱۳۸۷)

مقاله

رساله‌های تحقیقاتی و سخنرانی در مورد هنر ایران در امریکا



نمایشگاه‌ها

گالری فاکس ورث نیویورک

موزه هنرهای معاصر تهران

گالری مینیا تور، هنرهای زیبا

موزه علم و صنعت شیکاگو

دانشگاه یوتا، شهرسالت لیک

موسسه خاورمیانه، واشنگتن DC

انجمن ایران و آمریکا، تهران

موزه ایران باستان، تهران

موزه لاهور، لاهور

شورای ملی هنر، کراچی

موسسه فرہنگی ہنری، راولپنڈی

گالری کوروش، پاریس

موزہ ہنرہای زیبا، الجزیرہ

دانشگاہ تہران، تہران

تالار فرہنگ، تہران

گالری ہنرہای زیبای اروپا، وین

گالری ہنرمولر، مونیخ

پلازای باربرینی، رم

گالری موسیقی، میلان

موزه کاخ گلستان، تهران

موسسه فرہنگی ہنری، استانبول

موزه کاخ چہلستون، اصفہان

موسسه فرہنگی ایران و بریتانیا، اصفہان



برک ہابی از افتخارات

قرار گرفتن نام استاد در کتاب مشہور Who's who، نسخہ قرن بیست و یکم (۱۳۸۰)

قرار گرفتن نام استاد در فہرست روشنفکران قرن بیست و یکم (۱۳۷۹)

مدال طلای برترین درجہ ہنری (۱۳۷۲)

تندیس طلایی اسکار، ایتالیا (۱۹۸۷)

تندیس طلایی اروپایی ہنر، ایتالیا (۱۳۶۴)

نشان هنرنخل طلائی ایتالیا (۱۳۶۳)

دیپلم آکادمیک اروپا، آکادمی اروپا، ایتالیا (۱۳۶۲)

دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا (۱۳۶۱)

جایزه اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران (۱۳۵۲)

مدال طلای جشنواره بین المللی هنر، بلژیک (۱۳۳۷)

مدال طلای هنرنظامی، ایران (۱۳۳۱)

برگزیده همایش چهره های ماندگار (۱۳۸۳)

خوشر آن باشد که سرد لبران

کفته آید در حدیث دیگران

پروفور فرانسس ریشار

آثار فریحیان مارابه حال حله می برد

پروفور «فرانسس ریشار»، موزه دار ارشد نخس نسخ خطی کتابخانه ملی فرانسه،

دباره آثار استاد محمود فریحیان معتقد است:

«باید عنان خیالمان رار ما کنیم تا به دنبال تحیل این هنرمند رود

و بگذاریم او را با خود به همان حلسه یا «حال» تقریباً صوفیانه ببرد.

آیا زیاتر از این می توان به ذوق و قریحه این هنرمند احترام کرد؟

هر که برای نخستین بار طرح یا نقاشی ای از محمود فرشچیان را ملاحظه کند، یبجان شدیدی در

خود احساس می کند و از همان اولین لحظه درمی یابد که فرشچیان، هنرمندی است که همه

اصول و منابعی را که استادان پیش از او می دانسته اند چگونه از آن بهره برداری کنند،

عمیقاً و به خوبی می شناسد، با این همه اثر هنری او شخص ویژه خود را داراست.

ولی بی هیچ تردید، سخن گفتن درباره هنر این هنرمند بزرگ بدون یادآوری و بیان تحلیلی

فوق العاده و باور نکردنی و خلاقیت توانمند او مشکل می نماید؛ هنری که می توان گفت

به صورت رویا جلوه گری می کند؛ رویایی که دوستان ایرانی ما آن چنان اهمیت در

تعبیرش قائل اند که آن را در حد پیشگویی می شمارند.

پیچ و خم و فرازونشیب هایی که آرایه ترکیبات محاکر گری فرسخیان است نیر در خدمت

همین روایست و آنها حالتی از همان ابرهایی اند که منظر جاودانگی است، که ایرانیان

از آغاز قرون وسطی برای پوشش و آرایش آسمان ها در مینیاتورهاشان پذیرفته و به کار

گرفته بودند.

این پیچ و خم ها و منحنی های بی شمار ما را با خود به گرداب های بی پایان از روایا می برد و

دباره خودمان به پرسش و امی دارد که ما کیستیم؟

از کد این جهانیم؟

آیا ما از ساکنان همین جهانی هستیم که قلم موسی فرشیان آن را بدین صورت در آورده

است؟

این هنرمند، ما را به همراه خود در برابر سوالات و پی جویی های بزرگی از زندگی انسان قرار

می دهد. آن مردان جوان، زنان یا فرشتگان که شاید نیریمان «پریان» باشند،

به بهترین وجه، احساسات والا و لطیفی را متجلی می سازند.

کیست که چهره های فریاد دلربای زنانی را که شاهکارهای این هنرمند کوئی به آنان جان

بخشیده است با دیده تحسین نگریسته باشد؟

آنان باد لربانی که آمیزه‌ای از صفا و پاکی و میجان انگیزی شدید است، تماشاکننده

رامسور خود می‌سازند و او را به دنیای خیال می‌کشاند.

چه تضادی میان جامه‌های کمرنگ و رخسارهای سبز با آن مکاره‌های آتشین و

غیر قابل نفوذ آنهاست؟

این پری سیکران، دامن‌کشان از لاله لای جامه‌های کره زده و پر چین و شکن شان همانند

شعله‌های آتشین سر بر می‌آورند و با حمایل‌های بلند ر مکارنگ که بر کرد بر و دوش شان

می‌پیچد کویا برای رقصیدن آهنگ می‌نوازند،

این پیچ و خم دادن و اوج و حضیض بخشیدن بدان چهره‌ها همان مکارگری است که

آن نیز دقیقاً در راستای سنت تقاسان بزرگ هرات در پایان قرن پانزدهم (میلادی)

است و مگر توجه عمیق بدان و بیان دل انگیز آن نیست که کمال الدین بهزاد تقاس را

بزرگ ترین استاد در میان همه مینیاتوریست های ایران ساخته است؟

و بهزاد نیز قاعدتاً آن را از زندگی صوفیانه خود الهام گرفته

که او را در تحقق چنین نوآوری اعجاز آمیز و کریمانه مجاز ساخته است.

هنر فرشیان در این جهت بسیار توانمند است زیرا با زبردستی خیره کننده ای که

بر خلاف نش و روش ظریف اوست، با قدرتی کوبنده با انسان امروزی سخن

می گوید و بر اساس سنت محارگری ایرانی - در دنیای فارغ از زمان - در ناکجا آباد از راه

ورسم و موضوعات بنیادی زندگی انسان، نیروی حیات، بخش و شورش و عشق، نبرد

با عناصر سازگار، دلدادگی و شیفتگی اندوه و مرگ سرود می سراید.

هنر ایرانی آن چنان سرشار از دنیای لبریز از مظاهر و تصاویر است که به خودی خود

جهانی دیگر است و فرسخیان کلید این جهان را داراست او ما را به دنبال خویش به

گشت و گذار اسرار آمیزی می برد که تخیمان مسحور و مجذوب و نیازمان به زیبایی

سیراب می شود و با شنودی و رضایت کامل به این جادوگر که همان مکارگر است تن

می دهیم و سر می سپاریم و او ما را به رازگشایی و کشف دنیایی از نعمت و توانگری که هیچ

گمان بدی را در آن راه نیست می برد.

با این همه، برای متوجه شدن و درک کامل غنای این دستاورد و صورتگری که خطوط و
ظرافت کاری اش همانند چین و شکن زلفان محبوبان، آن قدر ظریف است که نامرئی
به نظرمی رسد، راهی جز آفرین گفتن و تحسین کردن نمی ماند.
باید عنان خیالمان را رها کنیم تا به دنبال تحیل این هنرمند رود
و بگذاریم او ما را با خود به همان حلسه یا «حال» تقریباً صوفیانه برود. آیا زیباتر از این
می توان به ذوق و قریحه این هنرمند احترام کرد؟

پروفیسور ارنت کروہ - پروفیسور الینور سیمز

آثار فرشیان نوآوری برحہ در قرن بیست ویکم

پروفیسور ارنت کروہ و الینور سیمز معتقدند:

«ویژگی آثار فرشیان آن است کہ نگارگری راز «تجسم کرایہ شعر» رمانیدہ و با «انزار

تصویرسازی» بہ ہنری مستقل و خودکفایتیل کردہ است.

او ہنرمند برحہ قرن بیست ویکم است.

آثار اخیر او نگارہای تصویری ایرانی را کہ ہموارہ غنصری بنیادی در ویژگی ملی

آن سرزمین بودہ از «تجسم کرایہ شعر» رمانیدہ و از «انزار صرف تصویرسازی»

به هنری مستقل و خودکفایت تبدیل کرده است.

جنبه‌های دیگر این نقاشی‌های حارق العاده فرشیان نیز نیازمند شرح و تفسیر است.

نقاشی‌های او غالباً از موجودات افسانه‌ای انباشته‌اند.

جانوران از ابرها شکل می‌گیرند؛ چهره‌های نامتعارف را از لابه‌لای صخره‌ها و درختان

می‌توان باز شناخت؛ جامه‌های موج‌دار، صورت‌های انسانی یا موجودات فراواقعی

به خود می‌گیرند. این همه به نظری رسد که از تخیلی نیرومند برآمده‌اند.

جنبه به فرد دیگر در نقاشی‌های فرشیان شباهت‌های مدور چشم‌گیر بسیاری از نقاشی‌های

اوست.

تقاشی های عالی در دوره های گذشته ایران قطعا بر پایه ساختار زیربنایی دایره وار تصویر

شده اند.

آثار بهزاد، تقاش بزرگ دوره تیموری و سلطان محمد تقاش بزرگ دیگر دوره صفوی از

تختین نمونه هایی اند که به ذهن می رسند. با این همه در قیاس با این استادان گذشته ایران،

تصویرپردازی دایره وار فرشیان به نحو سگفت انگیزی پویا تر است و چهره ها و شاخ و

برک ها و موجودات افسانه ای چنان با یکدیگر در چرخش و پیچ و تاب اند که گویی همه در

گردابی جای دارند و این همه به شیوه ای سامان گرفته است که حد قدرت دست

صورتگر فرشیان را یکسره آشکار می سازد.

در واقع، این جنبه‌ای رازگونه از هنر فرشچیان است که رنگ آمیزی فوق العاده او سعی در پنهان کردنش دارد؛ با این حال از آنجا که در زیر ساخت همه آثار او قرار دارد، از نخستین «تقاشی» قلم موی اش نیز پیدا است،

و حتی پیش از آن در آثار کمیاب و بخش‌های تکرنگ تقاشی‌های آبرنگ‌مات او دیده می‌شود.

به این دلایل و نیز به دلیل احترام او به هنر والای تقاشی ایرانی،

استاد محمود فرشچیان نه تنها میراث دار سبک این سنت چند صد ساله است بلکه فراتر از آن، هنرمند برجسته‌ای در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود.

ہوانگ جو، نقاش بزرگ چین

فرشچیان؛ ہنرمندی کہ بہ ہمہ ادوار تعلق دارد

استاد ہوانگ جو، نقاش بزرگ چین، رئیس مرکز تحقیقات ہنری چین و رئیس موزہ

یان ہوانگ پکن دربارہ آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«آثارش، اوراز معدود ہنرمندانی ساختہ کہ ماندگارند و تنہا فرزند زمان خویش نیستند

بلکہ بہ ہمہ ادوار ہنر تعلق دارند»

استاد ہوانگ جو، نقاش بزرگ چین، رئیس مرکز تحقیقات ہنری چین و رئیس موزہ

یان ہوانگ پکن دربارہ آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«آثارش، او را از معدود هنرمندانی ساخته که ماندگارند و تنها فرزند زمان خویش نیستند بلکه

به همه ادوار هنر تعلق دارند.»

عصر ما دوران نوجویی و نوآوری است و برای ملت هایی که بنا به سابقه تاریخی و فرهنگی

خود دارای سنت هنری هستند عبور از مرحله کهن به نود هنرهای سنتی و ملی یکی از

پچیده ترین مسایل و از مهم ترین تعهدات هنرمند در برابر جامعه است.

من به انگیزه علاقه دیرین خود به هنر به مطالعه و بررسی آثار هنر ایران

به خصوص نقاشی سنتی توجه و کرایش خاص دارم.

برگزاری سمینار و نمایشگاه هنر ایران با همکاری دانشگاه پکن و موسسه یان هوآنک

مخصوصاً سخنرانی و مباحث ارزشمند دکتر مظفر بختیار استاد ممتاز دانشگاه پکن و متخصص
عالی‌قدر در هنر و فرهنگ چین موجب شد تا هنرشناسان آگاهانه‌تر و با دیدگاهی روشن‌تر
به آثار کلاسیک هنر ایران و ارتباط ظریف و عمیق بین هنر چین و ایران بنگرند.
تفاسی‌های کمال‌الدین بهزاد و رضاعباسی و محمودخان صباستایش ما را برانگیخت
و آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی نشان داد که هنر والای خوشنویسی تا چه حد
می‌تواند خود را از قید زبان و کلام رها سازد و به عنوان هنر محض و مستقل و غیر وابسته
جایگاهی ویژه و متعالی یابد.

در بین هنرمندان معاصر، استاد محمود فرشچیان که شهرت جهانی دارد

موفق شده است در نقاشی سنتی با حفظ اصول و اصالت های آن نوآوری کند و

دارای سبک و مکتب خاص و تأثیرگذار شود.

اهل هنر در می یابند که نوآوری و رسیدن به شیوه متمایز و ممتاز شخصی در هنرهای سنتی که

اصالت آن در حفظ سنت است تا چه حد بایه ذوق و خلاقیت و قدرت ابتکار توأم با

شناخت دقیق و اصيل از میراث فرهنگی و تاریخی و در عین حال برداشت

درست و صحیح از نوآوری لازم دارد.

این همان راهی است که نقاشان و استادان سنت گرای چین نیز در پیش گرفته اند

و بعضی از آنان هم در این زمینه دست آوردهای موفقیت آمیز داشته اند.

این امتیازات و ویژگی‌های هنری، استاد محمود فرشچیان را به صورت یکی از چهره‌های
درخشان هنرتقاشی معاصر در آورده و از معدود هنرمندان ماندگار ساخته که تنها فرزند
زمان خویش نیستند و ارزشیابی آنان فقط به معیارهای زمان و مکان خودشان محدود
نمی‌شود. اینان به همه ادوار هنر تعلق یافته‌اند.

بازیل رایسون، عضو فرهنگستان بریتانیا

پی بردن به راز و رمز آثار فرشچیان مشکل است

بازیل رایسون، عضو فرهنگستان بریتانیا و سرپرست بخش هنری موزه ویکتوریا آلبرت

لندن درباره آثار فرشچیان معتقد است:

«پی بردن به راز و رمز تصاویر مشکل است و برای درک مفاهیم آثار فرشیان باید با

عرفان، ادبیات فارسی، اندیشه ما و باورهای نهفته او آشنایی داشت.

تقاشی سنتی ایران، هنری ساده و صریح - در واقع هنر تصویر کتاب - و از معانی

پوشیده و نمادگرایی‌های روانی به طور کلی دور بوده است.

تصاویر کتب شاهنامه فردوسی و یا خمسه نظامی میانگر ساده و بی‌سرایه دقیقی است

که در داستان‌ها آمده، اما با همه زیبایی و دلفریبی‌ای که هنرمند نقاش در ایجاد آن توانا

بوده است.

حتی در نسخ خطی کتبی که محتوای آن فاقد هرگونه جنبه داستانی بوده - نظیر دیوان حافظ

یا مشوی مولوی - اگر هم به ندرت تصاویری نقش بسته اغلب واقع گرایانه و منطبق

با رویدادهای داستان بوده است،

به عنوان مثال در مورد حافظ هنگامی که شاعر از بازی چوگان و یا از شراب به

صورت تمثیلی یا عرفانی یاد می کند

تفاس آشکار بازی چوگان یا سروری از سرمستی را تصویر کرده است

یا در مورد مشوی مولوی که البته نسخ خطی آن بسیار کم است تفاس تصاویر خود را

بیشتر محدود به برخی داستان های متن کرده و در این تصاویر کوششی برای نمایاندن

تعییر عرفانی و مابیان پیام‌های معنوی نشده است.

تقاسی سنتی ایران پس از ادوار تکوینی خود در دوران مغول که با نقوشی درشت

و نمایان آغاز شد، به تدریج کسترش یافت و از دوران ریزه‌کاری‌های دقیق و

رنگ آمیزی‌های اعجاب انگیز مکتب هرات گذشت، به شیوه‌های پرسکوه اوایل

عهد صفوی پیوست و بعد به مرحله حالات احساسی و پهن‌نشین خطوط و

قلم‌گیری‌های ماهرانه در قرن هفدهم رسید.

فرشچیان وارث چنین سنت غنی و متنوع است.

در آثار او عناصر هر یک از مراحل تکامل تقاسی ایران دیده می‌شود.

اما برتر از اینها مهارت خارق العاده فرشیان در ترسیم خطوط و نقاشی در هم پیچیده

و موج است که به عنوان وجه تمایز، سر، بیننده را تحت تاثیر قرار می دهد.

امتیازی که رضا عباسی و پیروان او آن را به اسادی و مهارت به کار گرفته بودند،

اما در انتخاب موضوع و نیز شیوه ترسیم، نقاشی های فرشیان به طور کلی با آثار

پیشینیان او متفاوت است.

وی البته ویژگی ذاتی و ممتاز عواطف ایرانی را درباره شعر و تخیلات شاعرانه

داراست و نیز توفیق بازتابی این عواطف را در آثار خود به دست آورده است.

نقاشی های فرشیان تصاویر بسیط و ساده ای نیستند که همچون نقوش دوران تیموری و

صفوی بیانگر داستانی باشند.

به عکس، این نقاشی‌ها را تعبیر تصویری از عوالم درونی نقاش باید دانست.

به همین دلیل پی بردن به راز و رمز این تصاویر مشکل تر از ملاحظه پیروزی رسم

بر دیوسفید است.

در واقع برای دک بهتر معنا، هم پوشیده در این نقوش، آشنایی با عرفان و ادبیات

فارسی و اندیشه‌ها و باورهای نهفته در آنها برای بیننده ضروری است.

اگرچه کمتر کسانی در میان غیر ایرانیان می‌توانند ادعای چنین الفتی را با منابع

فارسی داشته باشند، مع‌هذا یک هنردوست می‌تواند همچنان تحت نفوذ قدرت

زیبایی نقاشی های فرشچیان قرار گیرد و استادوی و کمال مهارت وی را تحسین کند.

اوبه راستی وارث شایسته یک سنت دیرپای درخشان است.

نامه به فرشچیان:

تحلیل خلاق کردارهای یزدانی تکرار می شوند؛ کردارهای اهریمنی می میرند.

(ت.ج. شوچنکو)

جناب آقای محمود فرشچیان بسیار محترم؛ کارمندان موزه دولتی ت.ج. شوچنکو

در شهر کیف، پایتخت اوکراین، پاسکزاری و ارادت عمیق خود را خدمت شما ابراز

می دارند.

تقریباً در سرتاسر ماه‌های بهار امسال، نمایندگان تقاشی‌های بسیار هنری و عمیقاً فلسفی
شما که در اشکال زمینی، تکوین معنوی جهان و جایگاه انسان در آن را مصور می‌کنند،
در تالارهای موزه برپا بود.

تنها هنرمندی که نشانی از خداوند نخبیده مهربان در او ست می‌تواند شاهکارهایی این
چنین بی‌مانند بیافریند که در آنها کردارهای معنوی و دستاوردهای نوع انسانی،
دست کم در دو هزار سال گذشته، تا این پایه محسوس و طبیعی بازتاب یافته است
و این همه حساسیت را شما در طریق نیکی، روشنی، و هماهنگی گسترده‌اید،

طریقی که کام به کام هر دو هنرمند و بیننده را به ساحت علوی خواست متعالی

و مطلوب لطف خداوندی نزدیک تر می‌کند.

باباگام نهادن در جهان شخصیت‌های آثار شما اندک سخنی‌های دنیوی انسان‌ها را از یاد

می‌بردیم.

جان‌های ما کم‌کم از یهودگی تباهی‌ناپذیر جنجال‌های روزمره آسوده می‌شد و آن‌گاه

شخصیت‌های آثار شما درخشان‌تر و روشن‌تر دیده می‌شدند.

و سرانجام در پستی و شرافت چون پر تو آفتاب می‌گشتند.

امیدوارم آشنایی‌ام با آثار خلاقه شما ادامه یابد.

به یاد بود خاطره دلنشین هنرتان، تابلوی بسیار زیبای «طبال دوردست» شمارا بخود

داریم که در مجموعه ماودکنار میراث خلاقه «ت.ج. شوچنکو» نابغه اوکراینی چون

مرواریدی تا ابد خواهد درخشید.

استادگرامی، آرزو مندیم که در همه کارهایتان بخت یارتان باشد

و کوشش‌های خلاقه‌تان سال‌ها و سال‌ها ادامه یابد

و ما را به سوی ملکوت جاودانی خداوند هدایت کند.

با احترامات فائقه! ل. زیپچوک منتقد و هنرشناس موزه ت.ج. شوچنکو / کیف /

اوکراین

نقل از: کتاب چهره‌های ماندگار

استوارت کرمی ولش، سرپرست موزه ساکس و انشگاه هاروارد

لایه های پنهان نقاش جهان های دیگر

استوارت کرمی ولش، سرپرست بخش هنرهای اسلامی و هندی موزه ساکس و انشگاه

هاروارد که از فرشیان با نام «نقاش ملکوئی» یاد می کند، می گوید:

«آثار او سرشار از داده های گرانبها در زمینه فرسنگ و هنر ایران است؛

آثاری که سرشار از راز و رمز زندگی است و نهفته های بسیاری در لایه های نقوش او

می توان دید.

هنگامی که انسان با محمود فرشچیان در خانه اش به گفت و گو می نشیند آوازی دلنشین پرندگان

زمینه ساز مجلس اویند.

به راستی اگر این هنرمند پر توان خلاق ایران قرن بیستم، استاد کمنام در دوران صفوی

سده شانزدهم می بود، نگارندگان تاریخ هنر او را استاد پرندگان می نامیدند.

محمود فرشچیان و نقاشی ها و طراحی هایش، با همه پیوندی که با سنت های ایرانی دارند،

متعلق به این روزگارند.

ومی استاد پژوهنده ای است با احاطه کامل بر کنجینه دیرپای هنر سنتی ایران

که در طی مسافرت های متعدد، هنر اروپا و امریکا را نیز به خوبی مطالعه کرده و به

عصرین المللی، هنر، خو گرفته است.

اگر فرشچیان نه در سال ۱۳۰۸ شمسی در اصفهان، بلکه در سال ۱۵۰۰ میلادی در تبریز یا

هرات به دنیا آمده بود و نقش و نگارهایش از مایه‌های جهانی کمتری برخوردار می‌شدند،

در آن صورت می‌توانست در دربار شاه طهماسب، نگارگر تقدیری برای سلطان محمد،

میر مصور، یا میرزا علی باشد.

این استادان بزرگ عصر صفوی نقاشی‌های فرشچیان رامی ستودند

همچنان که او اکنون پس از قرن‌ها آثار آنان را ارج می‌نهد،

ولی دست تقدیر، روزگاری او را به دنیا آورد که نقاشی ایرانی دیری است که با

هنر غرب در تماس است.

مگاهی به آثار فرشیان به خوبی نشان می‌دهد که سلیقه او در زمینه منابع هنر ایران به مرور

زمان متحول شده و تکامل یافته است.

اگر نقاشی‌های اولیه او یادآور رضا عباسی و مکتب او بوده کارهای اخیرش آثار سلطان

محمد سنور بزرگ ایرانی را به خاطر می‌آورد.

نقاشی‌ها و طراحی‌های این استاد که من در جایی دیگر او را «نقاش ملکوتی» خوانده‌ام ابعاد و

جنبه‌های گوناگون دارد.

آثار او سرشار از داده‌های گرانبهای در زمینه فرهنگ ایران به ویژه

دربار صفوی است و در همان حال با نمایان شدن خصوصیات انسان ها و حیوانات بعدی
 فرح انگیز و آموزنده به خود می گیرد و در مجموع پیامی فراتر از مضامین ترسیم شده دارد.
 آنچه در نگاه تحت رویدادی از شاهنامه به نظرمی رسد نوعی سیر و سلوک عارفانه
 نیز است. همانند شکسپیر، سلطان محمد در میان مردم محبوبیتی گسترده داشت و هر طبعی
 را خوشایند بود.

دلقکان، انسان های عجیب الخلقه و مردمان از هر رنگ و لباس در پرده ها و داستان های
 حماسی این دو هنرمند ظاهر می شوند و در فضایی آکنده از دقایق روانی نقشی را ایفا
 می کنند. آثار سلطان محمد فراوان اند و همان قدر بیننده را شیفته می کنند که پندکان و

حیوانات سرشار از حیاتش؛ گل‌ها، درخت‌ها، کوه‌ها و رودها و آسمان در آثار این استاد،

حتی بدون همراهی انسان و حیوان، از حرکت و حیات لبریزند.

فرشچیان همه این ویژگی‌ها را به خوبی شناخته و باز یافته است.

در نقاشی‌های فرشچیان هر تنه درخت، هر شاخه، هر برگ، هر صخره سرشار از راز و رمز

زندگی است و نهفته‌های بسیاری را در لابه لای نقوش او می‌توان دید.

سینش فرشچیان خوشایند است اما به اندازه هراس انگیز است اما نه بیش از آنچه که باید.

اگر ابلیس در کناری یاد و رای تو دود در هم پیچیده ابر کسین کرده حس زیبایی شناسی این

استاد ایرانی حد فاصلی مابین او و بیننده ایجاد می‌کند، اگر در صحنه‌ای گره موزون شال

خوب رویی به کند شیطان منتهی می شود، در تصویر دیگر از شمشیر بر آن نقشی دل انگیز

می سازد.

در کارهای فرشچیان اندوه و شادی، تراژدی و کمدی همه جا با هم اند.

در تابلوی «بهار می آید» ساخورده صوفیان دلشاد جام بر لب و دف در دست

در حال سماع اند و سر بر کشیده از زرفای تیره کون زمینه ای سبز به دور پری رویی که

دست افشان و پای کوبان است، حلقه زده اند.

در این تابلو همه چیز به گونه ای از وجود و نخوشی نشان دارد

اما همراه با بجنندی تلخ کنایه آمیز و توانان دلنشین و روح انگیز فرشچیان

در عین حال که می‌خندانمارانیرشداری می‌دهد و به کهولت و پیری طنه طنز آلود

می‌زند که «بیچ پیری چون پیرشیدانست.»

در کنار تابلونی نوازی شیفته و آشفته، لرزان و مشتاق به نوعی به پیش می‌رود تا بر سمای

زن بوسه زند،

و در یامین تابلو چشمان پر تلالونی که به انگلستان سگیل و پررمز و راز به جای دختر رقصنده

خیره شده تا ناآیداری هر گونه سرخوشی را هشدار دهد.

پس از تماشای این تصاویر بسیار دقیق کیج‌کننده، می‌توانیم به تماشای

تابلوهای حیرت‌انگیز دیگر فرسحیان برویم

وازیبایی آنها محفوظ شویم.

تأثیر تماشای نقاشی‌های فرسحیان تأمدت‌های یاد می‌ماند و هر بار معنی تازه‌تری از آنها

به ذهن می‌آید.

حرکت رقص کونیه پرده‌های حریر در «بهار می‌آید»

چهره‌هایی که با آثار رضا عباسی الفتی دارند، انگشتان نرم و کشیده و خط‌های سیال

و نقش‌های دور انگیزه‌های انسان را به سوی رابطه اسرار آمیز میان صوفیان ساخورده و

پری روی رقصان می‌کشاند.

آیا رقص پری رواست که آنان را مسحور کرده یا نغمه جادویی سماع صوفیان است

که اورا به وجد و نشاط آورده؟

هر چه باشد پیام این اثر تامل انگیز است.

در عرصه دنیای مسحورکننده که گاه آفتاب انگیز قلم فرشیان بانوای خطوط و نقوش

سبزگونه سنتی ایران به رقص درمی آید؛

چرخش ها و منحنی های دو سوی صحنه یکدیگر را به توازن و اعتدال می کشند.

خط های راست و بی انحنای که در بعضی نقوش معماری و کاشی کاری ها کمیاب اند انسان ها

و حیوانات همه بر حرکت اند و جاندار، پراز عضله، پوشیده از مو و خز و پر که ناکزیر جای

چندانی برای نمایاند استخوان نمی گذارد؛

فرم ہانہ ہندی و قرارداد ہی بلکہ طبیعی و سیال و مہ آلود و اسیری اند۔

بہ ہنگام نقاشی، فرسچیان غالباً بہ موسیقی کوش فرامی دہد۔

ہموازی ہی موسیقی زینہ قلم زنی ہی ظریف و پچان اور افرام می آورد۔

نقاشی ہی او انسان را بر می انگیزد تا با کوش جان نوا ہی غیر ملموس اورا کہ چون خطا و

شکل ہایش قرارداد اندیزند بشود۔

در این نواہا از آہنگ ہی پر ضرب کوش آزار نشانی نیست بلکہ ہموازی ظریفی در

بین سرود ہی لطیف ابداع شدہ است۔

آواز پرندگان، بانگ مرغان، زمزمہ آب،

ریزش پرپیچ و تاب آبخار کوش رامی نواز دو توفان ماو طغیان ما، آتش های سوزان و

رعب انگیز را چنان ماهرانه ترسیم می کند که به چشم، حواس انگیز نباید و تازیانه به کیفیت

فرود می آید که هرگز کزنده نباشد.

هنگامی که انسان به محمود فرشیان،

به مهارت فوق العاده و دست های پرکار و خلاقش می اندیشد خاطره تابلو وجد انگیز او را

به ذهن می آورد؛

«پنجمین روز آفرینش» را که مایه های از قرآن دارد و در آن همه مخلوقات زمینی و آسمانی به

سایش پروردگار مشغول اند.

ماهی ها و پرندگان واقعی و تخیلی در دریاها می توفانی شناور و بر آسمان ابری در پروازند.

کوبی چون سایه بانی در بهشت فروزان از انوار الهی، کرچه منقارها و پنجه ها، دندان ها

و بال ها، به دست یک استاد توانای طبیعت شناس به تصویر در آمده،

اما چشم ها و حرکات اثر کوبی تصورات نقاش از دنیاها می دیگر است.

کوپچیر و ماسورایدیرکل یونسکو

فرشچیان نقاش افونگری است

کوپچیر و ماسورایدیرکل یونسکو درباره آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«همان محمود فرشچیان به راستی قلم و سحر آفرینی است که در آن واقعیت و خیال

در برابر یکدیگر قرار نگرفته اند بلکه با همسازی و همخوانی تحیل حیرت انگیز به هم آمیخته و

توأم شده اند.

در تقاشی های محمود فرشیان طبیعت و اشیاء را چنان که هستند می توان باز شناخت

اما در عین حال به طرز راز آمیزی دگرگون گشته اند،

بدین معنا که گرچه ظاهر او در نظر آشنایماند ولی به یاری مهارت و سبب هنرمند کیضیتی

فوق العاده و ناشناخته یافته اند.

فرآیند کردیسی جالبی که محمود فرشیان در ترکیب بندی و تکامل هنر خویش

به کار می گیرد تنها با حدس و گمان دریاقتنی است.

او از سنت‌های متنوع و پربار و سرشار فرهنگ ایرانی سود می‌جوید و همزمان، خلاقانه به

جهان معاصر نغمه می‌پردازد.

او خاطره‌های دیرین و میراث سرزمین خود را فرامی‌خواند تا در کنجینه اندوخته‌های خویش

را بکشاید و در ضمن از تازگی و ارتباطی واسطه‌زمان حال نیز برخوردار می‌جوید.

او استاد افسونگری است که گذشته و حال و آینده را در جلوه‌گاهی شگوه‌مند و والا فارغ از

قید زمان به هم می‌آمیزد... آنچه بر همه ما مسلم است این است که:

«هنرمند محمود فرشچیان ماندگار خواهد بود.»

فدريكو ماوورديركل پيشين يونسكو

آثار فرسخيان سيرو سياحت در جهان سگفتي هاست

فدريكو ماوورديركل پيشين يونسكو درباره آثار فرسخيان مي گويد:

«کشودن کتاب نقاشي هاي محمود فرسخيان به راستي سيرو سياحت در جهاني از

سگفتي هاست.

در تخشين نگاه بيننده درمي يابد که کيمياي نهفته در آن آميزه دلاويري از حقيقت و

خيال است و محمود فرسخيان از افراد نادري است که به راز و رمز اين کيميا آگاهي

دارد.

آدمیان، حیوانات، طبیعت و آشیای بی جان ساکنان جهان این هنرمندند؛

آنها را چنان که هستند می توان باز شناخت اما با نگاه دیگری سما و معنای تازه ای از

آنان را آن هم نه در عالم خیال بلکه به گونه ای ملموس و محسوس می توان دید.

اینجاست که فرشیان به زمره هنر آفرینان یگانه و استثنایی می پیوند.

از نقش و نگارهای او جز با سیمگلی نمی توان گفت؛

زیرا بیننده را به ژرفای بیکران هنری که به افونگرمی می ماند می کشاند؛ به جایی که در آن

همه چیز فراسوی زمان شناور است.

مهارت دیگر استاد در این است که وفاداری به سنت هنری ایران را با شناختی عمیق
از هنر معاصر به هم آمیخته و نه تنها میراث عظیم و بنیادین فرهنگی ایران را از یاد نبرده
بلکه به حد اشباع از سرچشمه های آن نوشیده است تا آثار امروزیش شاهدی بر
کنجینه های دیروزین شوند و بر آن میراث بزرگ بیفزایند.

فرشچیان در طراحی و نقاشی و رنگ آمیزی - بهمنان که در نقوش قالی و کاشیکاری -

بدایعی به وجود آورده است که در تاریخ هنرهای ظریف و ویژه ای که تخصص اوست

جاودانه خواهد ماند.

امبرتوبالدینی استاد و رئیس دانشگاه هنر فلورانس ایتالیا:

فرشچیان، کلام آخر و درخشان ترین فصل منظومه تاریخ هنر است

امبرتوبالدینی استاد کرسی تاریخ هنر و رئیس دانشگاه بین المللی هنر فلورانس ایتالیا

درباره استاد فرشچیان معتقد است:

«او کلام آخر و درخشان ترین فصل منظومه تاریخ هنر تا این زمان به شمار می آید.

او در فکر نقش آفرینی گل نیست؛ او می خواهد ما عطر گل را درک کنیم.

از زمانی که شهر فلورانس زادگاه عصر رنسانس و هنر و خیزگاه جهش هنری اروپا به عنوان

خواهر خوانده یا همسر فرهنگی شهر «اصفهان» پرورنده فرزانه ترین آفرینان و جلوه گاه

شکوهمندترین نمادهای هنری شرق اعلام شد، علاقه من به مرور تاریخ هنر ایران و

شناخت هنرمندان آن سرزمین بیشتر شد.

در مسیر همین کشت و کذار تحقیقی بود که با آثار محمود فرشچیان صورتگر نامور ایران آشنا

شدم.

سکفتی و میجان برخاسته از این کشف هنری مرا به لایه های درونی فرہنگ ایران فرورد

و تاسده های میانی اسلامی که یکی از ارجمندترین عمود هنری جهان است و اوج آن را

در مکتب هرات و اصفهان می توان دید و نیز تا ادوار باستانی این خاستگاه یکی از

مدینت های عمده جهان پیش راند.

این کشاکش‌های کنجکاوانه پرسش‌هایی را در ذهن من تباد کرد؛

از جمله با توجه به زبان فوق‌العاده تصویری گویندگان بزرگ ادب فارسی - زبانی که به

قول مستشرق شهیر ایتالیا جاودان باد الساندرو بوزانی استاد ممتاز، همین دانشگاهی که من

افتخار ریاست آن را دارم

«... زیبایی و کثرت اشعار فارسی را با هیچ زبان دیگری نمی‌توان مقایسه کرد...» -

چگونه ممکن است تصور کرد که هنر نقاشی در آن سرزمین به نقش‌های زیبا و دل‌انگیز

عالی قابو با کاشیکاری‌های مجلل و خیره‌کننده مسجد شیخ لطف‌الله منحصر بوده باشد،

یا اگر صورتگران و طراحان بزرگی چون بهزاد و رضاعباسی حضور داشتند،

پیشانی آنان کجا بوده اند؟

با عنایت به اینکه هنرهای تجسمی وسیعاً و عمیقاً با هم مرتبط هستند،

در عصری که تخت جمشید، نادر عالی‌ترین هنر معماری آن روز جهان، نقش رستم،

حاصل دست‌های حجاران ممتاز زمان و جام‌های طلای هخامنشیان کاروالای زرگران

چهره دست‌دوران در دیدگاه ماست، غنیمت صورتگران و نقش‌انگیزان را چگونه

می‌توان پذیرفت؟

محقق نامدار ژاپنی ریوچی هیاشی در کتاب «جادو ابریشم

» از یک شاهزاده ساسانی تبار به نام «پیروز» خبر می‌دهد که دولت مقدری را

در آسیای مرکزی تشکیل داد و هزاران هنرمند مهاجر ایرانی از جمله نقاشان را به کرد خود

جمع کرد.

اگر چینی‌ها در ضمن تاریخ تفصیلی امپراتوری تانگ از او، آن هم به عنوان

«پی لوجی» نام نمی‌برند امروز چگونه می‌توانستیم باور کنیم در چین فرمانروای ایرانی تبار

وجود داشته است؟

قراین دیگری هم وجود دارد که طرح پرسش‌های بیشتری درباره این حلقه گمشده فرہنگ

ایران را موجه می‌دارد.

آنچه مسلم است این است که سرزمین هنرپروری چون ایران نمی‌توانسته است

از وجود نقش آفرینان شرک در مقیاسی وسیع بی‌نصیب بوده باشد.

خوشبختانه ظهور سلسله‌ای از صورتگران بزرگ در ادوار اخیر این فرضیه را به یقین تبدیل

می‌کند؛

اگر کمال‌الملك را آغازگر فصلی نوباقوسی تازه از منظومه نقاشی ایران به حساب

آوریم به اعتقاد من محمود فرشچیان کلام آخر و درخشان‌ترین فصل این منظومه تا این

زمان به شمار می‌آید.

او از ۱۸ سالگی با آفرینش اثری به نام «گل آدم بسرشتند» نشان داد که

تصویر کرمی استثنایی است.

در این تابلو نه تنها به بعد متعارف نقش تسلط یافت بلکه بعد سوم یعنی پرسپکتیو را که در بین

نقاشان ایرانی کمتر رعایت می شد در اوایل کار خود وارد کرد و سپس از آن هم

گذشت و به پرسپکتیو حسی دست یافت و در خط سیری آفاقی به اقلیم فرشچیان که

استعاره ای از مدارج عرفانی است، رسید.

برای وصول به این منزل و مدارج بعدی، فرشچیان راهی طولانی و عمیقاً هوشیارانه را طی

کرد.

در سروده های شاعران عرفانی ایران صورانه تعمق کرد،

به جست و جو و تامل در آثار مشاهیر نقش آفرین جهان در موزه‌های اروپا و آمریکا
پرداخت و قدم به قدم به کار خود که از قریحه ذاتی و نبوغ خدادادی نبره حد و فور سود
می برد، غنا بخشید و بدین ترتیب در سمر خود به مرتبه جهانی رسید.

فرشچیان در فکر نقش آفرینی گل نیست؛ او می خواهد ما عطر گل را درک کنیم
و سعی بر آن دارد که چشم ما را به دنیایی که خود ناظر آن است باز کند و در عالم رنج و
سرستی بارنگ‌های جادویی بیننده را از سرای مشهور به دنیای ماوراء طبیعت هدایت
کند.

او از حیث ظاهر در نقش‌های ماندگار خود آمیزه‌ای از معنویت شرقی و شیوه غربی را

به خدمت گرفته و نگاره‌هایش آینه‌ای است از شکل و شمایل ایرانی که در عین

اصالت دل هر صاحب‌دلی را به یک نظرمی رباید.

اما برای دریافت باطن یا یافت درونی کار فرسخیان دیدی ژرف نگر لازم است

و صبری زمان گیر. فرسخیان در حوزه نقاشی ایرانی یک نقطه عطف و پدیده سنگفت

به شمار می‌آید. ادامه هنرتابناک این هنرمند فریخته ایرانی را آرزو مندیم.

پروفسور دکتر برت فراکسر، استاد دانشگاه بامبرگ - آلمان:

آثار فرسخیان میراث هنری کل جهان است

پروفیسور دکتر برت فرانکر، رئیس کرسی ایران شناسی، زبان، تاریخ و فرهنگ دانشگاه

بامبرک - آلمان درباره آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«تقاسمی فرشچیان پیوند تمام عیار با هنر اصیل ایران دارد و هنر او متعلق به یک تمدن

خاص نیست بلکه میراث هنری و فرهنگی کل جهان محسوب می شود.

از دیرباز بادوستان، هنر دوست خود این بحث را داشته ام و هنوز ادامه دارد که آیا هنر

سنتی ایران و به ویژه هنر نگارگری و معماری هنوز می تواند در عصر حاضر و در قرن

بیست و یکم قدرت و نیروی خود را همچنان نگهداری کند، یا شاید دیگر با شرایط اجتماعی و

فرهنگی عصر ما مناسب و سازگار نیست.

در طول ۳۵ سال اخیر، تاکنون چندین بار با آثار کوناگون معاصر ایرانی روبه‌رو شده ایم

و گاه برداشت ما این بوده است که شاید برخی از آن تصاویر یا ساختمان‌ها نه تنها از

سنت‌های اصیل پیروی نکرده‌اند بلکه نتوانسته‌اند پاسخگویی مسائل مطرح در عصر حاضر

نمایند.

در برابر این موارد، تعداد آثار هنری نیز که بی‌شک اسادی و مهارت سازندگان

خود را نشان داده‌اند اما در ایجاد رابطه میان هنر خود و روح زمان جدید و معاصر

توفیقی نداشته‌اند، کم نبوده است.

به محض اینکه با آثار فرشیان روبه‌رو شدم بلافاصله متوجه شدم که

این شخصیت هنری همان کسی است که در برقراری سازگاری و تناسب بین سنت

قدیم ایرانیان و عصر جدید از همه هنرمندان موفق تر بوده است.

تاکنون نگارگری رانیده ام که در تلفیق این دو عنصر، به درجه ای از تکامل رسیده باشد

که در آثار استاد محمود فرشچیان مشاهده می شود.

بنابر این روشن است که چرا یونسکو نشر آثار ایشان را بر عهده گرفته است.

نقاشی محمود فرشچیان آثاری را نشان می دهد که پیوند تمام عیار با هنر اصیل ایران دارد،

اما بیش از آن هنری را نمایان می سازد که از آن تمام بشریت و همه جهان است

و به نسل مای آموزد که هنر او نه تنها متعلق به یک تمدن خاص است

بلکه به همان اندازه. بخشی از میراث هنری و فرهنگی کل جهان نبره شمار می رود.

از این رو، به هنرمند بر حبه و بی نظیر، محمود فرشچیان تبریک می گویم و امیدوارم او در

آینده نیز آثار پر قدرت و بی مانندی در دیدگاه جهانیان قرار دهد.

سیکنوبو کی مورورئیس موزه هنرستانداری هسوکن- ژاپن:

ادیت در چرخش های خیره کننده قلم فرشچیان

سیکنوبو کی مورورئیس موزه هنرستانداری هسوکن- ژاپن درباره آثار استاد فرشچیان معتقد

است:

«فرشچیان در آثار خود ادیت کائنات را به یاری چرخش های خیره کننده

بازنمایی می‌کند.

به گزارش روابط عمومی فرهنگستان هنر، سینوبو کی‌مورورئیس موزه هنرستانداری
هیوکن-ژاپن با اشاره به شعری از ویلیام بلیک در رابطه با استاد فرشچیان چنین گفته:

«در سرشت بی‌نهایت، هر عنصری دارای کردباد خویش است

آن‌گاه که رهرو کسرتده ایدیت کردباد خود را تا به غایت پی‌مورد

آن‌را به درون کوبی، همچون خورشید یا ماه یا جهان پر سگوه درخشانی

ا طومار وارمی‌پچد و در چشم انداز، مستی آشکارا می‌بیند

بر این منوال بهشت کردبادی است که رهرو کسرتده ایدیت در ازل

از آن گذشته است

اوزمین کردادی است که هنوزش تا به انتها نپیوده است.

(ویلیام بلیک: «میلتون» میت‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۸)؛ همچنان که این شعر بازگو

می‌کند، کرداد از دوران باستان همواره نادرگذاشته در سفر به کائنات بوده است.

کرداد سرچشمه راستین ابدی و کیهانی وحدت است

بلیک در شاهکارهای نقاشی خود نیز از کرداد در مقام عنصر اصلی استفاده کرده

است؛ در چین نیز مفاهیم مشابهی از کرداد، زمانی که لائوتسه درباره «طریق تائو» سخن

می‌گفت وجود داشته است.

من از آن رو نقل قول این شعر بلیک را برگزیدم که تصویرپردازی پویای کردباد در

آثار استاد محمود فرشیان را به بهترین وجه بازگو می کند.»

وی در همین زمینه افزوده:

«البته تابلوهای او صرفاً شکل‌هایی از کردباد نیستند،

بلکه باز نمودی از منظومه‌های حماسی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی هستند

و پیشینه تاریخی آنها را به گونه‌ای سکوهمند و والامی نمایانند.

مهارت هنری محمود فرشیان در کاربرد خطوط فاخر و استوار،

رنگ‌های پر تلاو و باسکوه و تلفیق و هم‌آهنگی‌های موسکافانه،

نشانگر جهشی عظیم در شیوه‌های هنری مکتب‌های حرّات، تبریز و اصفهان است که در

دوران رنسانس ایرانی عصر تیموری و صفوی شکوفا بوده‌اند.»

مسیکنوبو کی مور و مکتب اصفهان را اوج مهارت هنری می‌شمارد و در این باره می‌افزاید:

«مکتب اصفهان اوج مهارت در خلق تابلوهای بی‌شمار با دورنمایه حیات این جهانی

است که اندکی به درخت و سبزه آراسته شده‌اند،

و رضا عباسی در کاربرد خطوط نرم و موزن و باوقار به قصد عرضه نقش‌های حسی و دلپذیر

مهارتی بسزاداشت.

محمود فرشچیان، در عین حال که آن ویژگی‌ها را به میراث برده است

در آفرینش خطوط گسترده و فراگیر و موج و کاربرد آنها در ترکیب بندی گردبادهای اصل

و ابتکاری خویش شیوه‌ای منحصر به خود دارد.»

وی آثار فرشیان را حاصل نوع وی می‌شمارد و در این باره می‌گوید:

«فرشیان با طرح‌های نوع آسا و بتکرانه، رنگ‌های باسکوه و ترکیب بندی‌های

چرخان، خود بیننده را در سفری خیالی به سرزمین خاطره‌ها و جهان رویاها، نمونه

می‌گرداند و آن همه را آزادانه نمود می‌بخشد.

توصیف تابلوهای او الهام بخش من در ساختن واژه‌های تازه بوده است:

«فراطبیعی = سورناتورال».

با این همه باید بپذیریم که فراطبیعت کرای (سورنا تورالیم) با آنچه به اصطلاح

«فراواقعیت کرای» (سورنالیم) خوانده می شود یکسان نیست.

فراواقعیت کرای واقعیت را انکار می کند و در تاریکی به دنبال وضعیت اعتدالی از

آگاهی است.

اما محمود فرشیان در کمال استقامت و آرامش در قلمرو واقعیت محض مقام گرفته است

و در عین حال «واقعیت» را بار و باری «فراطبیعی» یعنی خیال واره ای که از آن خود

اوست آینه تیره پیروزی ناشناخته و راز آمیزی دست یافته است.»

رئیس موزه هنر استانداری هموکن - ژاپن در تشریح بیشتر آثار استاد فرشیان

می‌افزاید: «فرشچیان در ظاهر تصویری از امید عرضه می‌کند، اما در باطن، سرشار از

حس یسجان و بی‌قراری است.

بدین لحاظ می‌توان تابلوهای او را «رمانتیسیم فراطبیعی» خواند که جریان‌های پویا در

کانون آن قرار دارند.

بنابراین، همچنان که بلیک و لائوتسه خاطر نشان کرده‌اند، فرشچیان در آثار خود ادیت

کائنات را به یاری چرخش‌های خیره‌کننده بازنمایی می‌کند.»

رابت، میلن برنارد، استاد دانشگاه ادینبورگ:

در قلمرو سمر مدرن سبک فرشیان بی همانند است

رابت، میلن برنارد استاد، سمر اسلامی دانشگاه ادینبورگ - انگلستان درباره استاد فرشیان

معتقد است:

«در قلمرو سمر مدرن سبک فرشیان بی همانند است.»



مصاحبه ما

همزمان با میلاد امام رضا (ع) استاد محمود فرشیان در یک برنامه زنده تلویزیونی حاضر

شد و سخنان متفاوتی درباره نحوه خلق تابلوی «ضامن آهو»،

ساخت ضریح امامان و... صحبت کرد

او سخنانش را با نام خدا آغاز کرد و پس از سلام دادن به امام رضا (ع) خطاب به

بینندگان برنامه گفت:

هموطنان عزیز و مهربانم فرد فرد شما را دوست دارم و به شما علاقمندم و خدایم داند که

چقدر وطن دوستم و ایران را دوست دارم.

وی در پاسخ به اینکه آیاتاً به حال ضامن کسی شده‌اید، اظهار کرد:

همواره حضرت امام رضا (ع) ضامن من شده و به آن صورت یادندارم

ضامن کسی شده باشم. اما همیشه سعی کرده‌ام هرکاری از دستم برمی‌آید برای دیگران

انجام بدهم.

این استاد مینیاتور در پاسخ به اینکه دوست دارید با کدام اثر شمارا معرفی کنند، گفت:

منی خواهم به دین داری و دین باوری تطاهر کنم.

من سعی می‌کنم خدمتی انجام دهم و آنقدر که توانم ناچیزم اجازه می‌دهد کار خیر انجام

هم خواهم داد. من تابلو عاشورا را از همه بیشتر دوست دارم.

تأثیر تابلوی «عصر عاشورا» بر بانوی خارجی

وی افزود: خودم هم نمی دانم چه حس و حالی داشتم که این اثر تولید شد.

یادم می آید روزی در منزل مایک خانم خارجی و همراهانش حضور داشتند.

آن خانم ایستاده بود مقابل تابلو و مدتی به آن نگاه می کرد و میکان نمی خورد.

دیدم اشک از گونه های او سرازیر است.

از من پرسید این حسین (ع) است؟

فرشچیان ادامه داد: این نقاشی روی بسیاری از افراد اثر گذاشته است.

استوارت کری ولس کہ از بزرگترین متقدین ہنر در دنیا و استاد دانشگاه ہاوارڈ است،
روی کتابی کہ این نقاشی در آن چاپ شد مقدمہ نوشت و شرح داد کہ تا سیر این اثر
باور کردنی نیست.

فکر می کنم خداوند بہ من رخ کرد و عنایتی کرد تا این نقاشی را کشیدم.

در این مصاحبہ کہ آقای ظریف وزیر امور خارجہ نیز شرکت داشتند

استاد فرسخیان ہم خطاب بہ ظریف گفت:

خدای داند من چقدر دعا گوئی شما و روحانی ہستم. ہمیشہ وقتی اسمتان می آید می گویم

خدایا آنہارا موفق بفرما و انشاء بہ ہمہ مشکلاتشان فائق شوند.

ظریف ہم پاسخ داد: استاد شامہ افتخار ہمہ ماہستید، ہفتہ گذشتہ در حرم حضرت ابا عبد اللہ

ضریحی را کہ بہ زحمت شامہ شہید شدہ با افتخار زیارت کردم.

عصر عاشورا» راسلوع نکر دم تا حس و حال فضا منتقل شود

در ادامه فرشیان در بارہ تابلو «عصر عاشورا» گفت:

برای من سادہ بود این تابلو راسلوع کنم و حوادث عاشورا را بکنجاہم اما این اثر حالتی

دارد کہ غربت، تنہایی و مطلوبیت در آن مشہود است.

در این تصویر اسب خم شدہ و غلاف شمشیر بہ چشم می خورد.

وجود حضرت زینب در این اثر نمایان است و سنگسختی درختان خرما، تیرهای سنگسخت،

زین اسب که فرو افتاده و چادری که آنجا قرار دارد،

عواملی است که حس کار را تشدید می کند.

ومی افزود: کبوترهایی که بالشان را در خون مقدس امام حسین (ع) مالیده اند در این

تصویر پیام آور آن اتفاقات برای اهل بیت امام هستند.

من از عناصر و المان هایی استفاده کردم که این مسئله و حالت را تشدید می کند.

از چشم اسب هم اشک می ریزد و حالت بچه هایی که خودشان را به پای اسب

انداخته اند حس فضا را نشان می دهد.

ماجرای تابلوی ضامن آهو چیست؟

فرشیمان درباره تابلو «ضامن آهو» نیز توضیح داد:

من این اثر را با ۱۴ تابلوی دیگر به آستان مقدس رضوی اهدا کردم.

ماجرای این تابلو از این قرار است که شکارچی آهویی را دنبال می‌کند و آن آهو

خودش را به پای حضرت رضای اندازد. امام از شکارچی (ع) می‌خواهد آهوار را بکند و

او جواب می‌دهد که این حیوان روزی او است.

حضرت از او می‌خواهد آهوار را بکند تا او برای شیر دادن به بچه‌اش برود و بیاید.

شکارچی هم می‌گوید اگر نیاید چه؟

امام ہم اشارہ می کند کہ شترش را بہ او خواهد داد.

در ادامه آہومی رود و برمی گردد،

شکارچی ہم متنبہ می شود و کانش را می سگند و توبہ می کند.

پشت میزکار کہ می نشینم جوان می شوم

این استاد تقاشی دربارہ حس و حال خود زمان آفرینش یک اثر گفت:

ہمیشہ وقتی پشت میزکارم می نشینم احساس میکنم یک جوان تقاش ۴۰، ۵۰ سالہ

و مشتاق ہستم. گاہی بی وقفہ تا سہ بعد از نصف شب کار می کنم.

می توانم این ادعا را داشته باشم کہ من ہمیشہ در خود «حال» ہستم.

حال خاصی که، سزمنذ رابه آفرینش دچار می کند.

وی دباره ماجرای ساختن ضریح امام حسین (ع) توضیح داد:

سال ۸۵ نامه ای از بیات امنای قم و مردمان خوب،

در سکار و شریف آنجا به من رسید.

آنها گفته بودند که ضریح امام حسین (ع) را دیده اند و برای حرم مطهر امام رضا (ع)

از من نمونه کار خواستند.

من عمارت تمام درس و دانشگاه و کارم را گذاشتم و ع طرح متفاوت طراحی کردم

و برای دوستان مدیرم در قم فرستادم.

آنها هم فراخوان دادند و عده ای طرح فرستادند و آثار با یکدیگر مقایسه شد تا سرانجام قرعه

کار به نام من دیوانه زدند.

قرعه کار به نام من دیوانه زدند و کار به مقصود رسید

خالق تابلو کمال الملک یادآور شد:

مدت ها به قم در رفت و آمد بودم و تا زنک می زدند خودم را به آنها می رساندم

تا بالاخره ضریح ساخته شد.

خدا داد ازاده استاد فوق العاده ماهر قلم زنی هم کجاک کردند

و در زمینه خط نیز استاد موحده نگاری داشتند تا کار سرانجام به مقصود رسید.

فرشیمان بایان اینکه آدم مطاھری نیست، ادامه داد:

من بارها سجده و خدا را بابت این سعادت شکر می کردم.

من بسیاری از کتاب های رای را که داشتم به فرنگستان هنر تقدیم کردم، هنوز هم کتاب های

خوبی با قدمت ۲۰۰ سال دارم.

روزی در اتاق کارم راه می رفتم که پیامی به یکی از کتاب ها خورد و زمین خوردم.

همانجا برخاستم و به درگاه خدا سجده کردم که خدایا شکر است به من آنقدر کتاب داده ای که

از زیادی آنها زمین می خورم.

ضریح و کاشی کاری بهانه تقرب به درگاه الهی است

وی در بخش پایانی سخنانش اعلام کرد باید نکته مهمی بگوید و گفت:

منظور از ساختن ضریح و کاشی کاری های زیبا... فقط و فقط به خاطر سایش و تقرب

به درگاه الهی است و بس.

این ها فقط وسیله هستند.

برخی از ساخت این ضریح ها گلّه داشتند. جالب اینکه اتفاقاً مردم فقیر هم پول دادند

و کمک و همراهی کردند تا این ضریح ها ساخته شد.

زائر خودش را در مقابل ضریح قرار می دهد، چوپ و سنگ و قلم زنی و طراحی و سیده

است و هدف و منظور این است که به درگاه الهی نزدیک شویم.

فرشیمان در میان خطاب به مردم گفت:

هموطنان عزیز، سلام این نقاش گوشه گیر منزوی کوچک را ببینید.

من فرد فرد شمارا خیلی دوست دارم.

گوشه ای از ملاقات با خالق قاب های ماندگار



سمیرا خوانساری - ظهر پانزدهم ۲۲ مهر ۱۳۹۱،

برای دیدار بزرگمردی از اهالی هنر به منظرش رقتیم.

تمام ذرات وجودم، در چشم و گوش و قلمم متمرکز بودند و با این همه، حالاکه عکس‌های آن روز را نگاه می‌کنم، می‌فهمم که چشمانم، هیچ‌یک از نقوش ماندگار دیوارهای آن خانه را ندیدند و وقتی به صدای ضبط‌شده آن دیدار گوش می‌کنم، تازه متوجه می‌شوم که حذر نشنیدم. انگار دو حس بینایی و شنوایی، برای دیدن و شنیدن روح بزرگش کم بودند. قدم زدن در ملک اهل تواضع، حالی و هوایی می‌خواهد که در روزگار ما کمتر کسی، توشه راه علم و ادب و هنر خود می‌کند و بسیاری از عالمان و ادیبان و هنرمندان کنونی، بیشتر به دنبال اسباب بزرگنمایی اند تا بهمت بزرگ‌نشی و عالمان بی‌عمل و ادیبان بی‌ادب و

هنرمندان بی‌هنر به یمن زمانه فراوان اند که پرداختن به ره رهروان ترکستان در مجال

نوشته‌ای که از مرد هنرمی کوید نیست.

مرد هنرمی که هشتاد و سوین سال عمر بر برکت خود را سپری می‌کند و آثاری در جهان به

نام سرزمینان جاودانه کرده است، که وقتی نگاهشان می‌کنی، سراسر چشم و جان

می‌شوی. کوپی گوش‌هایت، موسیقی مواجش را می‌شنود و نسیم جاری دلنوازش،

صورتت را خاک می‌کند و اگر کمی بیشتر به اثر نظر کنی، کامت شیرین می‌شود، قلبت

عاشقانه می‌سراید و دیگر دست خالی از ضیافت محمود فرشیان بر نمی‌گردد. به راستی

در می‌یابی که خالق زیبایی، تو را به تماشای خلق دوباره برخی باغ‌ها و بوستان‌های آفرینش،

فرامی خواند.

من، بارها و بارها به ضیافت جهان پررئوز از فرشیان دعوت شده بودم و زیبایی و

معنویت موج هنرش را به تماشا نشسته بودم. اما، این بار فرصتی دست داد تا میهمان

دقایق ایشان باشم و پای سخنان ارزشمندشان زانو بزنم.

سوال هابی پرسیدم و نکته هابی شنیدم که «ادب، هنرآموزی و اخلاق، هنرمند» یکی از

آنها بود:

«این مسئله بسیار در هنر، اهمیت دارد ولی در این زمانه مثل سابق نیست و آن

مرتبت هابی که در قدیم بود، دیگر رعایت نمی شود.

رابطه معلم با شاگردش و شاگرد با معلمش در قدیم، به کار هنری خیلی محکم می‌کرد

و معنویت و اخلاقی که وجود داشت، آموزش هنر را تکمیل می‌کرد.

من هیچ‌گاه، در برابر استادانم چون و چرا نمی‌کردم و هر ایرادی که از کار من می‌گرفتند،

با جان و دل پذیرا می‌شدم و به دنبال رفعش می‌رفتم.

نمی‌خواهم ریاضد ولی هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء، ۲ رکعت نماز به نیت

استادانم و همه کسانی که حق به کردن من دارند، می‌خوانم و از خدای تبارک و تعالی

برایشان طلب مغفرت می‌کنم.

از طرف دیگر، هیچ‌گاه به آموزش هنرم به دیگران با چشمداشت مادی نگاه نکردم

و حتی از ساگردان خصوصی ام، پولی نگر فتم.

ولی در دنیای امروز، همه چیز مادی شده و معنویت که برای انسان زایش فکری می کند،

بسیار کم رنگ است.

در صورتی که معنویت، روح هنر است و باعث شکوفایی اندیشه های شود.

در جهان مادی امروز، حتی هنرم به سمت مادی گرایی سوق پیدا کرده است.

از استاد پرسیدم: آیا آرزوی هنری تحقق نیافته ای دارید؟

بلافاصله جواب دادند:

«نه؛ اصلاً، اصلاً آرزوی هنری نرسیده ندارم و به تمام آرزوهای هنری ام رسیده ام»

ویش از آنکه خودم فکر می‌کردم و استحقاقش را داشتم در منبر بر ایتم پیش آمد.
مثل همین طراحی ضریح مطهر حضرت اباعبدالله (ع) که به تازگی به اتمام رسیده.
حدود ۵ سال پیش، نامه ای از طرف هیئت امنای قم در مورد ضریح حضرت به
دست من رسید؛ که اولین نامه ای بود که در این زمینه برای کسی فرستاده می‌شد.
من ۶ ماه بدون هیچ چشمداشتی، ۶ عدد طرح تهیه کردم و برایشان فرستادم که همه متنوع
بودند و به دیگر ضریح‌های اماکن مقدس شبیه بودند و من هر صد درصد ایرانی در آنها رعایت
شده بود که سرانجام پس از فراز و فرودهایی تحقق پیدا کرد.
آرزوی من برقراری رونق و آسایش و امنیت در کشور عزیزم است

و همیشه برای مملکت‌م دعای کنم.

مملکت مثل مادر است. پیرمی شود، می‌سگندولی باز هم مادر است.

من آرزو دارم شمال، جنوب، شرق، غرب و خلیج همیشه فارس، همیشه باصلابت و

برقرار باشد.

از حضور استاد، حال و هوایشان را هنگام طراحی ضریح حضرت امام حسین (ع) جو یا

شدم، استاد با صدای آرام تر و در حالی که به پایین نگاه می‌کردند، گفتند:

باور کنید، اصلاً خودم نبودم و نمی‌توانم برای کسی بگویم.

یک حالت خلسه و پنخودی و فراموشی بود که از خودم کسته می‌شدم

و خدا را شکر می‌کنم که این اتفاق برایم افتاد.

زمان دیدار به پایان رسیده بود و ترجیح دادم که از دریای سیکران ذوق و هنرپارسی به قدر

کفایت آن روز بسنده کنم و باقی را به فرصت دیگری بپارم.

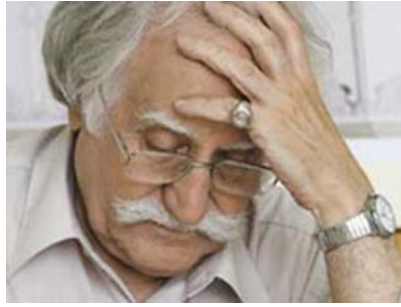
همگام خدا حافظی چشمم به تابلویی افتاد که روی آن به خط خوشی نوشته شده بود:

روح پدرم شاد که می‌گفت به استاد

فرزند مرا هیچ به جز عشق نیاموز

زیر لب با خود گفتم:

روح پدری شاد که این گونه تربیت کرد و روح استادی شاد که جز عشق نیاموخت.



ملاقات با دروازه محارکری ایران

با استاد فرشچیان از عصر عاشورا تا ضریح امام حسین (ع)

مولود زندگی نژاد:

چه سعادتمندیم که هم عصر بزرگ مردان و زنان تاریخ فرہنگ و ہنر

ایران زمین ایم؛ میراث داران تمدنی با شکوہ کہ با گام ہای استوار، پرچمدار و

ہویت بخش سرزمین خویش اند.

کوهرا نی که باد خوشش میان جهانیان مایه فخر و مهابت ایران و ایرانی اند.

ستارگان درخشانی که همواره در آسمان فربنگ و هنر ایران زمین پرفروغ خواهند

بود؛ یکی از ماندگارترین این چهره‌ها استاد «محمود فرشچیان» است؛

استاد بی‌بدیل نقش‌ها و نگاره‌ها که با کلمه سحرآمیز خویش نقش خیال می‌زند و در

کشف و شهودی یگانه، زیباترین تصاویر عالم را روی قاب تصویر به تماشا می‌گذارد

و پیش قلمش به راستی افسونگری افسانه‌ساز است.

آن که آثارش در موزه‌های جهان دلبری می‌کند و دیدن آن هر بیننده‌ای را

سر مست از عشق به خالق و هستی می‌گرداند.

فرشیان تنها یک هنرمند و مکارگر تمام عیار نیست بلکه انسانی کامل است که راز
 آفرینش را به خوبی درک و احساس کرده و آن را استادانه و بهتر بگویم عاشقانه در
 آثارش متجلی ساخته. یگانه هنرمندی که تقد و نظریه صاحب نظران و شرق شناسان را
 به خود معطوف داشته و بسیاری از بزرگان و هنرشناسان را واداشته که در مقام و شان
 او و آثارش قلم زنند.

ملاقات با دوانه مکارگری ایران زمین، استاد فرشیان، سعادت بی بزرگ بود که نصیبان
 شد و اهدای مجموعه کتاب های نفیس از این هنرمند که تقد به کتابخانه تخصصی
 فرهنگستان هنر انگیزه ای شد تا میهمان چهره ماندگار فرهنگ و هنر ایران شویم و

قدری با او به گفت و گو بنشینیم.

استاد آن قدر در رفتار و گفتار خلوص داشت و متواضعانه پذیرای ما بود که همان سخنان «محمد ابراهیم باستانی پاریزی» را به یادمان می آورد که درباره این مکارگر نامدار

گفته اند:

«استاد فرسخیان بیش از آنکه، سزمنند باشد یک معلم اخلاق است.

نحوه سلوک عارفانه و زندگی بی سیرایه او سر مشق هر کسی می تواند باشد که

قلم به دست گرفته و وارد این وادی می شود؛

علاوه بر این فرسخیان یک مجموعه از هویت یک ایرانی تمام عیار است.

اودرتقاشی سبکی برای خود ایجاد کرده که در نوع خود اگر نگوییم بی نظیر بلکه کم نظیر

است.

مسائل عاطفی و حالات روحی انسان و زیبایی‌های طبیعت در آثار فرشیان

دست به دست هم داده و تابلوهایی به وجود آورده است که هر بیننده‌ای را مدتی

طولانی محتاشای خود خواهد ساخت.»



محمود فرشیان در ۴ بهمن سال ۱۳۰۸ در شهر سنرپرور اصفهان دیده به جهان گشود.

پدرش مردی هنردوست بود و هنگامی که اشتیاق فرزند را به هنر تقاشی دید او را به

کارگاه استاد «حاج میرزا آقا امامی» رهنمون شد. استاد فرسحیان در این باره

می گوید:

«پدرم تاجر فرش بود که به هنر علاقه بسیار داشت و به یاد دارم، بسیار خردسال بودم

که برای خود از نقش قالی نقاشی با پی می کشیدم، وقتی پدرم علاقه ام را به نقاشی دید

مرا نزد استاد «حاج میرزا آقا امامی» فرستاد و به این ترتیب بود که من وارد این

عرصه شدم و بعد از آن در سال ۱۳۲۴ به هنرستان، هنرهای زیبای اصفهان رفتم

که در آن زمان در سرپرستی «عیسی بهادری» یکی از پرورش یافته‌گان مکتب

کمال الملک بود و نزد ایشان تعلیم گرفتم.»

او با قرار دادن موهای کره سفید در انتهای پرکبوتر قلم موهایی آن چنان ظریف و

انعطاف پذیر ساخت که تا امروز در نقاشی و طرح ریزی و ظرافت کاری ها از آن

نوع قلم مو استفاده می کند.

طراحی قالی و سرامیک سازی از دیگر کارهایی بود که فرشیان در نهایت دقت و

ظرافت انجام می داد و در مهارت به جایی رسید که در سال ۱۳۲۸ «عیسی بهادری»

یکی از گلدان های او را به «آرتور پوپ» هنرشناس مشهور اهدا کرد.

فرشیان در سال ۱۳۲۹ دیپلم عالی خود را از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان

دریافت کرد و در سال ۱۳۳۲ برای پژوهش و تحقیق سبک های هنری جهان به

اتریش سفر کرد. او درباره غزیمیش به اروپایی افزاید:

«برای پژوهش روی سبک‌های هنری جهان و آشنایی بیشتر به مدت هفت سال

در وین به تحصیل و مطالعه پرداختم پس از آن به دیگر کشورهای اروپایی سفر کردم.

در هر کشوری روزهای خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها به دنبال آثار شاخص هنری

می‌گذراندم و درباره سبک‌های هنری شان تحقیق و پژوهش می‌کردم و به‌نگامی که به

منزل برمی‌گشتم به کار طراحی می‌پرداختم و در شبانه روز تنها ۳ تا ۴ ساعت را به

استراحت اختصاص می‌دادم.»

فرشچیان درباره هنر ایرانی و مشرق زمین معتقد است:

«ظرافت و ریزه نگاری و نقطه پردازی که برای زیبا ساختن هر چه بیشتر اثر به کار می رود در کتاب مختلف مشرق زمین و نیز ایران سابقه ای کم و بیش طولانی داشته و ادامه دارد... نقاش ایرانی پیش از آنکه به طبیعت مانوس و وابسته باشد دل بسته کسترش اندیشه و عالم نامحسوس است که بی نهایت خیال را به حالتی دلپذیر تجلی و شکل می دهد و هنرمند برای اینکه تحولات رنگارنگ زندگی مادی یارای دست یازی به دنیای او را پیدا نکند برای نمودهای خود معنویاتی فراتر از عوامل زندگی گذرا قائل می شود. زیرا آن هنرمند کار و جاوید است که به مفاهیم انسانی و کلی وفادار باشد.»

در واقع نقاش خیال انگیز، از ابتدا بر این پایه و مایه آثارش را خلق کرده و نخستین

تابلوی خود را در ۱۸ سالگی با نام «گل آدم بسرشتند» چون شعر سروده است

تا جایی که «استوارت کری ولس» سرپرست بخش هنرهای اسلامی و هنری موزه

«ساکر» دانشگاه بار و در باره این اثر نوشته:

«این تابلو شاهکاری از ایام جوانی هنرمندی است که توانایی او را در به کمال

رسانیدن همه شیوه‌های نقاشی ایران از معماری و پیکر نگاری تا نقش‌های اسلیمی و

حیوانات و طبیعت بی جان و توده‌های ابر به ثبوت رسانیده است.

فرشچیان در این اثر نه تنها موتیوهای نقاشی را مستحول کرده

(مثلاً به حیوانات پر جنب و جوشی که در جلو تابلو بر پشت فرشته در حرکت اند، توجه

کنید بلکه به تورات غیر سنتی نظیر ایجاد ابعاد چند ساختی نبردست یازیده و آسمانی

باد خشدگی خیره کننده تقاشی کرده است.

این اثر محصول نوعی زودرس است.

فرشچیان همانند هنرمندان پیشین بر این واقعیت آگاه بوده است که بریک تابلو دو

بعدی، بعد سومی را نمی توان استوار ساخت ولی درها و پنجره ها و طاق نماهایی که در

تقاشی فرشچیان به چشم می آید کوبی بیننده را از جهان مسطح و یکنواخت به دنیاهای



دیگر، نمونه می کند.»

در بسیاری از آثار این نگارگر چهره دست، انسان با لطافت و صفادکنار حیوانات
دنده و تندخوی، غزال ها و پرندگان که در حال پرواز و آوازند، به گونه ای ترسیم شده
که آرامش را به ذهن تباد می نمایند و اگر نخواهیم آثار هنری را به عنوان نمادی از
صلح و آرامش برگزینیم بی شک بسیاری از تابلوهای فرشیان در زمره این آثار
قرار خواهند گرفت.

این نگاره ها نماینده کشور و ملتی است که فراز و نشیب های تاریخی را پشت سر نهاده
اما فرسنگ و هنرش را از یاد نبرده است و با عشق به تمامی مخلوقات پروردگار
جهانیان برای وطنش، سرآفرینی کرده، وی تمام علاقه و افتخار خود را ایرانی بودن

خود عنوان می‌کند و در این باره می‌گوید:

«از جان و دل شیفته فرد فرد، هموطنانم، هستم و امیدوارم تمامی ایرانیان، همواره

سربلند باشند.

اما در طول زندگی ام آواره هر شهر و دیاری بودم چون همیشه شیفته یادگیری ام

و هر جا که تجلی و منظر می‌از، هنر یا قدم به آنجا سفر کردم تا درباره آن تحقیق و پژوهش

کنم و محطه ای را به بطالت نگذراندم زیرا علاقه مند بودم تا طرف وجودم را با

تجلیات هنری پرکنم.

هم اکنون هم خود را یک هنرجوی دانم و به دنبال کسب معرفت بیشتری

ہستم.»

اگرچہ فرسچیان نمایی دل انگیز از عشق و زندگی راد آثارش متجلی کرده اما در
تابلومی «عصر عاشورا» ماهرانہ روایتی حزن انگیز و اندوہبار، ناشی از واقعہ تلخ راہ
تصویر کشیدہ کہ کوئی توقف زمان را نشانہ رفتہ و پجبرہ ای برای تماشای واقعہ ای در
عصر و نسلی دیگر کشودہ است.

رنگ ہای زرد و غبار آلود زمینہ اثر و فضای ناامن و درد آلود در صحرائی بی آب،
تصویری است کہ خالقش با ظرافتی خاص چہرہ ہای روحانی را با لباس ہای سیاہ از
نظر پوشاندہ و حزنی ناشی از دوی جانگاہ را القامی کند کہ با آن اسب خون آلود

بی سوار، حتی نخل ہارا خمودہ کردہ است۔

استاد در پاسخ بہ اینکہ بہ کہ امین تابلو ہا و آثارش علاقہ بیشتری دارد چنین می گوید:

«علاقہ ام بیشتر بہ آثاری است کہ مردم آن را دوست داشتہ باشند۔

اما از میان آثارم تابلوی «عصر عاشورا» را بسیار دوست دارم و این بہ دلیل

دلبستگی ام بہ حضرت اباعبدلہ الحسین (ع) است و واقعہ روز عاشورا کہ ہمیشہ مرا

تحت تاثیر خود قرار دادہ است۔

اگر نخواہم آن را بار دیگر نیز بہ تصویر بکشیم بہ ہمین شکل آن را خواہم کشید۔»

«رابت، میلن براند» استاد ہنر اسلامی دانشگاه ادینبورگ آثار او را این کونہ تشریح

می‌کند:

«کستره درون بایه ما و فضاها می‌آثار فرشیان پهناور است و او در تقاشی‌های خود به

یاری خطوط باوقار، تمام عیار و خلسه آور همان دیکری را فرامی‌خواند،

جهانی که گاه بر جذب و وجود و حال است و گاه سودازده و اندوه‌سار،

گاه امید بخش است و گاه نومیدوار، گاه سر بلند است و گاه ستم دیده،

اما، همواره بی‌تردید از آن خود اوست.»

اورنگ باراد به وجود آوردن فضاهای مختلفی چون اندوه، ترس، شادی و... به

خوبی درک کرده و به کار برده و در تصاویر و صورتگرایی نیز از نوع نگاه و وجود چشمان

بهره‌کافی هسته به گونه‌ای که احساس خود را به طور مستقیم به بیننده القامی کند.

در تابلوهای چون «شهید»، «کرمای عشق»، «آفاق» یا «در راه ملکوت»

رنگ‌های آرام با نگاه‌های معصومانه و مینویی مخاطب را به سوی عالم ملکوت

رهنمون می‌شود.

استاد که همه موفقیت خود را مرهون الطاف الهی می‌داند و مکرراً آن اذعان دارد

چنین ادامه می‌دهد:

«یکی از الطاف الهی آن است که دست راستم هموزیر قدرت است و

می‌توانم بدون هیچ لرزشی به طراحی و خلق آثار سپردارم،

یکی دیگر از محطه‌های ماندگار زندگی ام طراحی ضریح، سرداب و درب مطهر

حضرت ثامن الائمه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است.

در طراحی سرداب سعی بر این بود تا فضایی بهشتی و معنوی ایجاد شود که به لطف

پروردگار این کار نیز انجام شد.»

نمی‌توان آثار فرشیان را برای یک محطه دید و گذر کرد، چرا که او در کنار آن همه

رنگ‌های دل‌انگیز و نقش‌های ریز و ظریف، موجوداتی بسیار نهان خلق کرده که

هر یک در دل دیگری آن چنان استادانه جای گرفته‌اند که حکایت از تسلط خالق

اثر داشته و بیننده را ساعت‌ها برای کشف هر یک از موتیوها و معانی پای تابلومی

استادمی نشاند.

این هنرمند توانا دوباره هنر نقاشی و توصیه اش به هنرجویانی که به عرصه نقاشی ورود

می یابند، چنین است:

«لازمه هنر نقاشی فیکور است زیرا اگر کسی نهاد هر انسانی را نداند چگونه می خواهد

آن را به تصویر بکشد؟

اگر کسی می خواهد در این راه قدم بردارد باید شبانه روز طراحی کند با آناتومی انسان و

حیوان آشنایی کامل داشته باشد و در نهایت هنرش ایرانی باشد و رنگ و بوی

ایرانی بدهد.»

استاد دربارہ بہترین روز زندگی خود می گوید:

«زندگی راہی است آسان، شاد از آن باید گذشت /

شور بخت است آنکہ از این رہ ہراسان بگذرد...»

ہمہ عمرم را می یون الطاف الہی می دانم و بزرگ ترین لطف خدا و زیبا ترین روز

زندگی ام آن روزی بود کہ طراح ضریح آقا با عبد اللہ الحسین (ع) را بہ دست

گرفتہم و با لطف پرودگارم توانستم آن را بہ پایان برسم.

یکی از ویژگی ہای این ضریح آن است کہ کوچک ترین تشابہی با کار ہای دیگر

ندارد.

تمامی نقوش و طراحی‌ها به یکدیگر ارتباط داشته و چشم را به اسماء الله را بهمانی می‌کند.
اندازه‌های این ضریح دقیقاً به اندازه ضریح فعلی است و ارتفاع آن ۱۳۶ متر
است و تمامی المان‌های به کار رفته در آن کاملاً ایرانی است و هیچ عنصر خارجی در
آن به کار نرفته است و سعی شده تا حسی روحانی را القا کند.»
به راستی تماشای آثار استاد سفری است به دنیای خیال انگیز و شگفتی‌های زندگی
و همین تفکر و نگاه اوست که آثارش را متمایز ساخته به گونه‌ای که در تابلوی
«آهنگ زندگی»، «نوامی مهر» و «طلوع» می‌توان آن را احساس کرد.
در این آثار که مضامینی مشترک دارند، فرشته‌ای بانوامی «چنگ» که از مشهورترین

سازهای ایران باستان به شمار می رود، تمامی موجودات را به رقص و شادمانی می خواند

و این هنرمند در این باره بایان ایاتی، چنین شرح می دهد:

زندگی بافتن یک قالی است

نه همان نقش و نگاری که خودت می خواهی

نقشه از قبل مشخص شده است

تو در این بین فقط می بافی

نقشه را خوب ببین، خوب بباف

نکنند آخر کار، قالی بافته ات را نخرند.

زندگی بسیار زیباست ولی مهم این است که نگاهمان به طرف وجودی خودمان

است؛ اینکه ایمان داشته باشیم که می‌توانیم در سایه کوشش و تلاش و یاری

پروردگاران زندگی خوبی داشته باشیم و از عمر و زندگی خود بهره‌کافی ببریم.

همیشه احساس کردم که طرف وجودم خالی است و برای همین محطه‌ای از عمرم

را به بطالت نگذراندم و حتی در سفر هم به کار طراحی می‌پردازم تا جایی که از این

مجموعه کتابی در دست انتشار است.»

او درباره رابطه هنر و مادیات نیز نظر جالبی دارد:

«تمامی هنرمندان جوان را مانند فرزندانم دانسته و دوستان دارم و معتقدم مادیات

ہم۔ بخشی از زندگی است و نمی شود بدون امکانات مادی به زندگی ادامه داد اما
 رسیدن به این امر بسیار مهم است باید تمان را به کار دهیم و نباید نخطه ای را به
 بطالت بگذرانیم، سرمان را مقدس بدانیم؛ برای آن تلاش کرده و با عشق کار
 کنیم و در آخر لطف پروردگار را بیچ گاه فراموش نکنیم که او روزی رسان است.
 البته در این سال هائی که فعالیت داشتیم بیچ گاه برای پول و مادیات کار نکردم.
 برای بیچ کدام از طراحی هائی که برای ضریح حضرت ثامن الائمه (ع)، حضرت
 اباعبدالله الحسین (ع) و دیگر کار هائی که کرده ام مبلغی دریافت نکرده ام.
 عشق به ائمه اطهار را پیش از آن دانستم که نخواهم آن را با مادیات مقایسه کنم

و علاقه مندم تا کارهایی که در این سال‌های عمرم انجام می‌دهم همه با اعتقادات دینی
 و معنویات درونی ام ارتباط داشته باشد و امیدوارم تا آخرین لحظه‌های عمرم دستم از

قلم نیفتد.»



خالق «پنجمین روز آفرینش» درباره علاقه اش به موسیقی نیرمی گوید:

«هنگام طراحی آن قدر متمرکز بر کارم هستم که گاه خودم را نیز فراموش می‌کنم و باید

در آرامش کامل اثری را به تصویر بکشم ولی آن هنگام که در حال کامل کردن اثرم

هستم به موسیقی نیرکوش می‌دهم و اثرم را تکمیل می‌کنم.

زیرا به شعر و موسیقی علاقه بسیار دارم.

هنگامی که ۱۴ ساله بودم به انجمن شعرا در اصفهان می رفتم و در محفل به شاعرانی

کران قدر چون بهایی، سکیب اصفهانی، بصیر، نوا... گوش می دادم

زیرا شعر و موسیقی را در سازندگی بسیار مفید می دانستم. ایاتی را نیز سروده ام.

در آن زمان استادان ما را تشویق می کردند تا مطالعه فراوان داشته باشیم باید بسیاری

از اشعار حافظ، سعدی و... را خوانده و حفظ می کردیم.»

استاد به تازگی در حال خلق اثری به عنوان «معراج حضرت محمد (ص)» است

و درباره آن می گوید:

«مجموعه‌ای شامل ۱۴ تابلو را برای موزه آستان قدس رضوی در دست دارم که

چند تابلوی آن به اتمام رسیده و پس از نمایش در موزه سعدآباد به موزه آستان قدس

هدیه می‌کنم.

به آتش انداختن حضرت ابراهیم با منجنیق یکی از این آثار است که داستان بسیار

زیبایی دارد که ابتدا فرشته بادی می‌آید و می‌گوید آن قدر می‌وزم تا آتش خاموش شود،

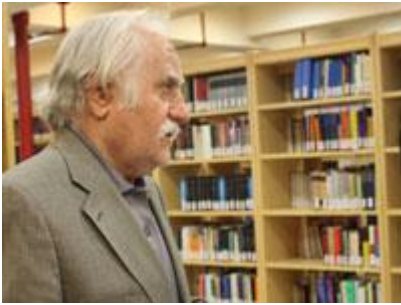
پس فرشته باران می‌آید و می‌گوید آن قدر می‌بارم تا آتش خاموش شود و در آخر

حضرت جبرئیل (ع) به فرمان پرودگار نازل می‌شود...

تابلوی «سایش پرودگار» نیز از جمله این آثار است،

و در حال حاضر تابلوی «معراج حضرت رسول (ص)» را در دست دارم که بسیار

پرکار است و در این تابلو آن حضرت را از پشت سر به تصویر می آورم.»



مهربان ترین پدر بزرگ دنیا لقبی است که در ۲۲ شهریور

سال ۱۳۸۳ در میان ۱۰۰ شخصیت محبوب جهان در حالی در روزنامه های جهان درج

شد که او در کارگاه خود به خلق آثار ایرانی مشغول بود و اگر نخواهیم درباره استاد محمود

فرشچیان، زندگی اش، آثارش، افتخاراتش و مکتبش بکاریم بی شک باید

متخصصان و صاحب نظران چندین مجلد کتاب و چند واحد انشکاهی را به این هنرمند

نامی اختصاص دهند.

محمود فرسخیان نه تنها آثار خود را با میل و اشتیاق به ملت ایران هدیه کرده بلکه بسیاری

از کتاب ها و نشریات نیایی را که در طول سال های عمرش از آنها بهره بسته به

کتابخانه تخصصی هنر فرهنکستان هنر اهدا کرد؛ کتاب هایی که درباره اش می گوید:

«این کتاب ها و نشریات را در طول این سال ها تهیه کردم و از آنها استفاده

می کردم و علاقه مندم فرزندان این مرز و بوم از این آثار استفاده کنند من هر چه

دارم متعلق به ملت و مردم است و این عشق به زادگاهم، مذهب و باور ها و

اعتقادات من است که در سال های زندگی ام مرایاری کرده است.»



گفت وگویی کوتاه با مجید مهرگان

حاضریم باز هم برای استاد فرشیان ساگردی کنم

مولود زندگی نژاد-

تاریخ ایران سرشار از حکایت‌هایی است که مربوط به استادان و ساگردانشان

می‌شود،

روابط معنوی که شور و عشقی وصف‌ناپذیر را پدید آورده و مثال افسانه‌های

باستان زبانه‌ها و خاص و عام، در تاریخ حفظ می‌شوند.

در دنیایی که روابط اجتماعی بآب‌و‌هواهای مادی سنجیده می‌شود، هنوز هم روایت علاقه

و احترام میان استادان و شاگردانشان مایه‌دخوشی است.

چندی پیش میهمان انسان وارسته‌ای چون «مجید مهرگان» یکی از استادان

چهره‌دست نقاشی ایرانی بودم تا گفت و گویی در زمینه کاری ایشان داشته

باشیم.

استاد در غم از دست دادن فرزند، کمی خموده به نظرمی رسید اما هنگام سخن از

استاد، چشمانش می‌درخشید و گرچه خود هم اکنون در مقام و جایگاه والایی در حوزه

مکارگری یا تقاشی ایرانی قرار دارد اما به طور مستکی نپذیری از استاد و کارهایش

سخن گفت.

آشنایی شما با استاد فرشیان از چه زمانی آغاز شد؟

سن و سال کمی داشتم که وارد حوزه تقاشی ایرانی شدم و در محضر استاد فرشیان به

یادگیری تقاشی ایرانی پرداختم و بسیاری از اوقات خود را با استاد می گذراندم.

البته پس از فارغ التحصیلی ام از دانشکده موفق شدم تا بورسیه ای برای ادامه

تحصیل در کشور ایتالیا بگیرم که متأسفانه به علت مشکلات شخصی قادر به ادامه

تحصیل نشدم.

استاد فرشیان به طور مداوم سفارش می‌کردند تا من ادامه تحصیل بدهم

و در آن هنگام هم خیلی مرا تشویق می‌کردند تا از این بورسیه استفاده کنم.

ایشان معتقدند اگر می‌خواهیم در زمینه هنر پیشرفت کنیم باید بر علم و اطلاعات

خود بیافزاییم و من همیشه سعی می‌کنم هنگامی که می‌خواهم اثری را با مضمونی

خاص به تصویر بکشم ماه‌ها درباره آن تحقیق کنم.

در این سال ها ویژگی ممتاز استاد فرشیان را در چه دیدید؟

نقوش تزئینی ایرانی بسیار وسیع و متنوع است و در هیچ جای دنیا مثل ومانندی

ندارد. امتیاز استاد فرشیان احاطه بر تمامی این نقوش است.

به علاوه اینکه در آن زمان که در محضر استاد فرشیان ساگرد می کردم هر سوالی که از ایشان می پرسیدم بدون درنگ و بدون آنکه حساسیتی به خرج دهند به سوالات من پاسخ می دادند و در واقع تمام ریزه کاری ها و نکته هایی را که در تقاشی ایرانی بود با کمال میل و مسرت، آموزش می دادند.

آیا شما تنها ساگرد استاد فرشیان محسوب می شوید؟

خیر، همزمان با آقای کاشیان از محضر استاد بهره مند می شدیم که متأسفانه ایشان تقاشی ایرانی را رها کردند، همچنین زنده یاد صراف بودند که مهارت بی نظیر در تقاشی داشتند. بعداً نیز محمد باقر آقامیری نزد ایشان تعلیم گرفتند.

البته در دانشگاه نیز ایشان تدریس می کردند اما شاگردانی که مثل ما به صورت
مستمر نزد ایشان کار کرده باشند، نمی شناسم.

ویژگی غیرکاری که در استاد دیدید چه بوده است؟

یکی از خصوصیات استاد فرشیان «شناخت» است.

ایشان فردی معتقدند که از گذشته بر اعتقادات خود پایبند بوده و بر همین بنا کار

می کردند و به نظر من این یکی از ویژگی های بارز شخصیتی ایشان است.

من اوقات بسیاری را از گذشته در کنار ایشان سپری کردم و خاطرات زیادی

از ایشان دارم.

روزی من چند پرندۀ مشابه کار استاد کار کردم و خیلی هم برای آن زحمت کشیدم؛ یادم هست وقتی استاد این کار را دیدند به من گفتند که هیچ وقت از کار من تقلید نکن.

اگر هزار سال کار کنی در آخر می‌گویند کار فرستحیان است؛
برای خودت سبک و سیاقی جداگانه داشته باش.

این شد که من تلاش کردم سبکی بسیار متفاوت از ایشان داشته باشم و همچنان که در نقاشی هایم می‌بینید هیچ یک از آثارم با کارهای استاد فرستحیان مشابهتی ندارند.

من از مکانی که ایشان می گفتند، هنوز نبره می برم و از گذشته نظرشان را
دباره کارهایم جویا می شدم و در کارهای جدیدی که انجام می دادم از توصیه های
ایشان استفاده می کردم.

و در واقع حساسیتی که در من ایجاد کردند شاید از خودشان هم بیشتر شد
و باز هم می گویم اگر روزی مجدداً ایشان قرار شود در کارگاهی آموزش دهند من
باز هم در آن ثبت نام می کنم و حاضر می شوم مجدداً ساگر دی کنم.

دباره سبک و سیاق استاد فرشیان کمی بر ایمن بگوید

استاد فرشیان برای خود سبک و سیاقی خاص دارد.

ایشان کرایشی به ناتورالیم داشته و طبیعت در آثار ایشان بسیار زنده جلوه
می‌کند. من تمامی کارهای ایشان را دوست دارم و اصولاً از بکشان لذت
می‌برم ضمن آنکه ایشان در طراحی بسیار خبره و چیره دست هستند و هر کدام از
کارهایشان با دیگری متفاوت است.

باید اذعان داشت هنوز هم ماهمتهای فرسچیان نداریم و باید او را در نقاشی
ایرانی معاصر بشناسیم.

در مورد کار اخیر استاد یعنی طراحی ضریح حضرت اباعبدالله (ع) هم کمی توضیح

دهید

شورایی از سوی «سازمان سازی عتبات عالیات» در قم تشکیل شد.

این شورامرکب از هنرمندان تراز اول در رشته هنرهای سنتی بود.

در این شورامن و آقای رجبی نیز حضور داشتیم.

قرار شده بود تا برای سه ضریح امام حسین (ع)، امام حسن عسکری (ع) و

حضرت علی (ع) طرحی آماده شود و پس از تایید این شور او تصویب به مرحله

اجرا دربیاید.

کل اعضای شور برابر این اعتقاد بودند که تنها کسی که می تواند این کار را بر عهده

داشته باشد استاد فرشچیان است زیرا بالاتر از ایشان در طراحی ایرانی وجود

ندارد.

بعضی اوقات در هنگام طراحی این ضریح من به همراه ایشان به قم می رفتم زیرا

می خواستند بر کار نظارت داشته باشند و حتی نظر مرا می پرسیدند.

بحق کار ایشان بسیار زیبا و شکیل است.

آیا استاد هزینه ای برای طراحی ضریح دریافت کردند؟

خیر؛ استاد فرشچیان این کار را به صورت یک تدریج انجام دادند و وجهی دریافت

نکردند.

گرچه مسافرت برای سلامتی ایشان بسیار مضر است اما ایشان برای اتمام

کار، سالی دوباره به ایران سفر می‌کردند تا کار را به نحو احسن به پایان ببرند.

استاد مجید مهرگان در سال ۱۳۲۴ در شهر رشت متولد شد.

وی طراحی و مکارگری را نزد استاد «اکبر تجویدی» و «محمود فرسخیان»

آموخت. پس از فارغ التحصیلی در رشته کرافیک از دانشگاه هنرهای تزئینی

به عنوان استاد نقاشی ایرانی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد.

تدریس در هنرستان دختران و پسران، مدیریت هنرستان، هنرهای زیبای

پسران، عضویت در شورای عالی ارزشیابی هنر، عضویت در هیئت داوران

و انتخاب جشنواره‌های فجر در چهار دوره و... رادکار نامه فعالیت‌های خود

دارد.

استاد مهرگان نماینده‌های متعددی را در سراسر جهان برگزار کرده است.

دارا بدون مدال درجه یک هنر از موسسه اکو، دریافت درجه یک هنری (دکتر)

در رشته نگارگری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از افتخارات

استاد مهرگان است.



جملاتی خند از زبان استاد که اقتدر فرستحمان:



: آن هنری ماندگار و جاوید است که به مفاهیم انسانی وفادار باشد.



: در طول زندگییم آواره هر شهر و دیاری بودم چون همیشه شیفته یادگیری هستم.

: یکی از الطاف الهی آن است که دست راستم هموزیر قدرت است.



: امیدوارم تا آخرین لحظه های عمرم دستم از قلم نیفتد.



: یکی از لحظه های ماندگار زندگیم طرحی ضریح حرم مطهر امام رضا علیه السلام است.



: زیباترین روز زندگی ام روزی بود که طراحی ضریح ابا عبدالله الحسین علیه السلام را

بدست گرفتم.



آثاری چند از استاد:

عصر عاشورا





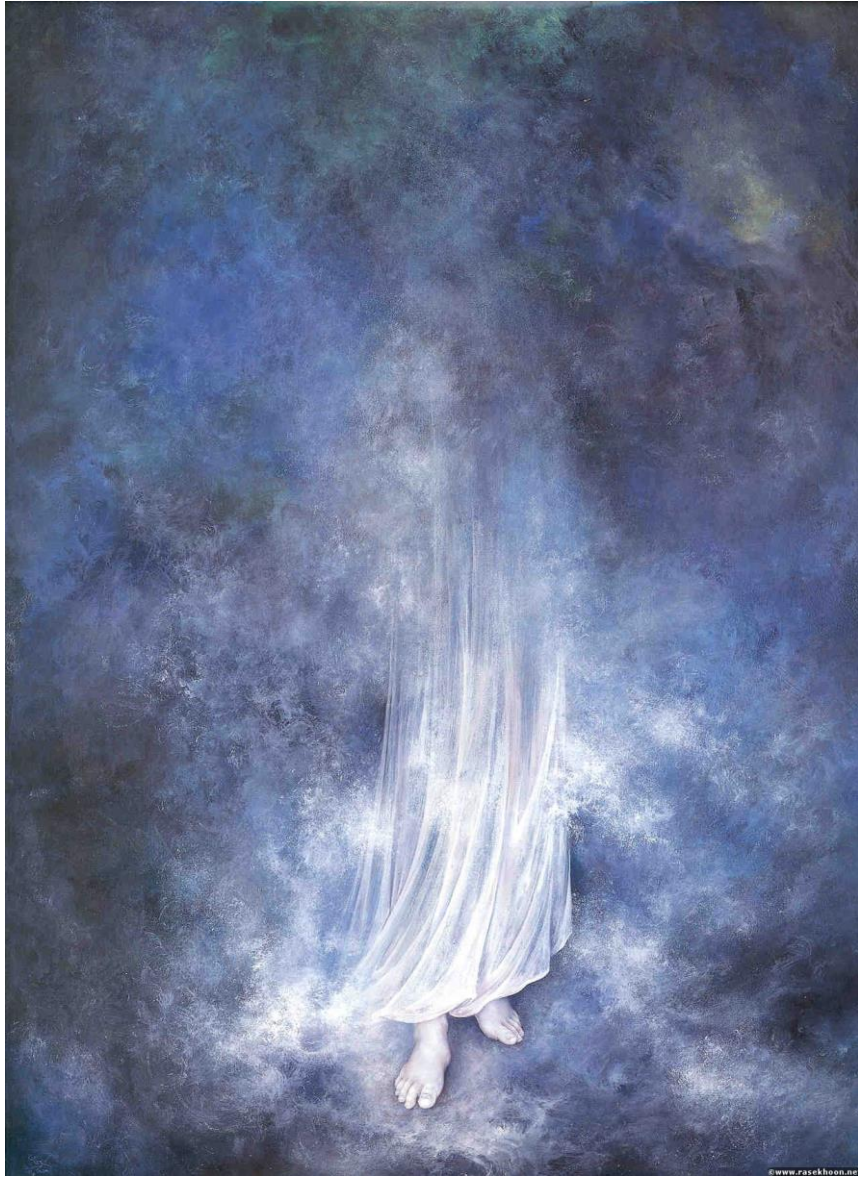
تابلوی شمس و مولانا



مراسم رونمایی از تابلو شمس و مولانا



انتظار



موی سید پیہ



پندرہ



حضرت ابراہیم (ع)



مولود کعبه



آفاق



نیایش



حضرت ابراہیم (ع) در گلستان



قصوں



غدیر خم



پیراہن یوسف



ضامن آہو (امام رضا (ع))



معراج



شہد



حمایت



در کسین گاه





ابراہیم بت شکن















پنجمین روز آفرینش

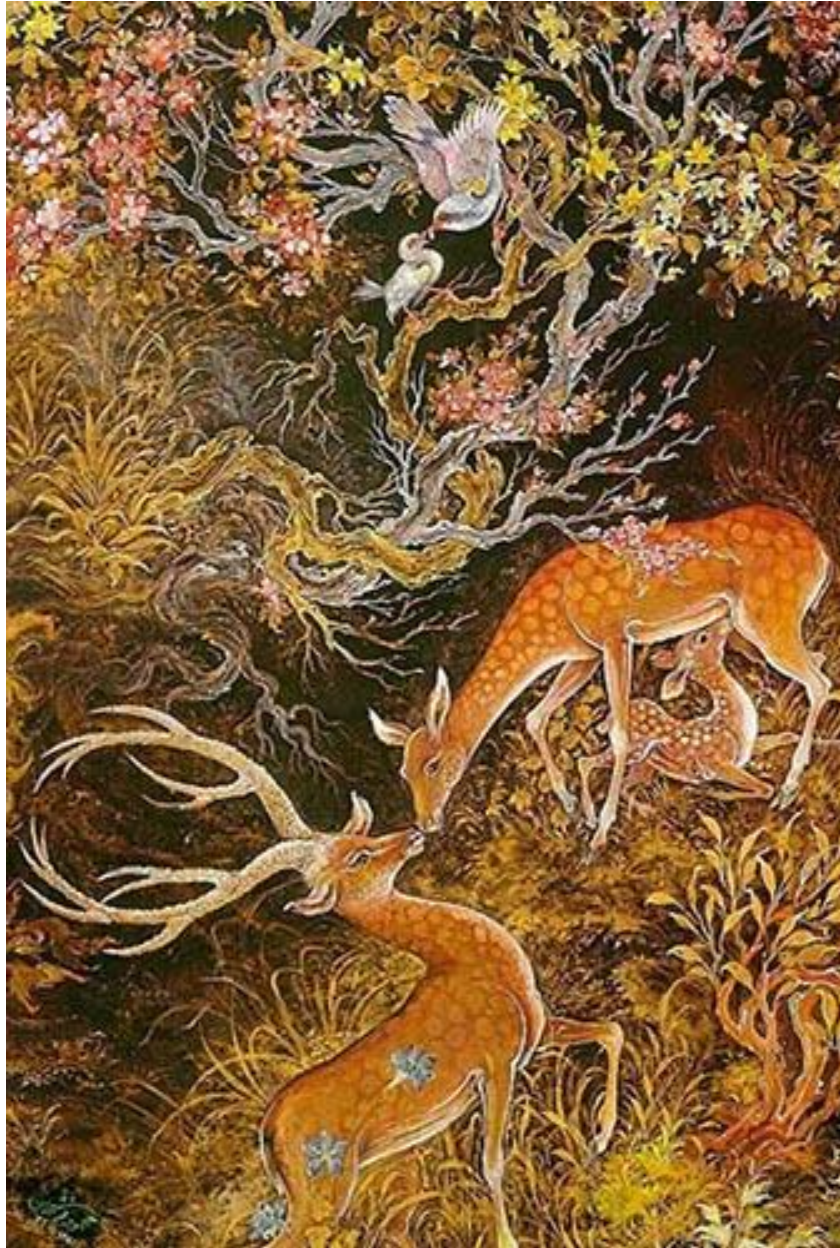




رایحه دلنواز



















رایحہ شادمانی



به سوی نور















TOPIC











TopNotch.RR





منبع: سیات رسمی استاد محمود فرشیان

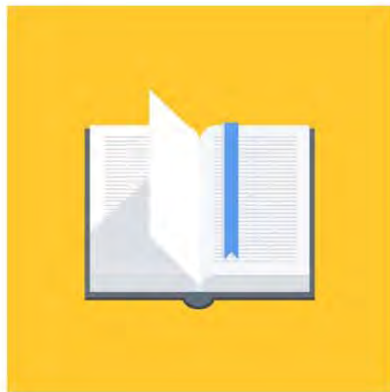
سیات تیان و.....

و برای سلامتی و طول عمر با برکت استاد کرانامیه و بزرگوار سرزمین سبزمان ایران عزیز

به درگاه خداوند دعای کنیم



به پایان آمد این دفتر حکایت، همچنان باقی است



آیا می‌دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب‌های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب‌ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب‌های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب‌ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

